



پرونده ویژه
اقتصاد مقاومتی

بابور اندیشه / ماهنامه سیاسی فرهنگی دانشجویی
سال بیست و چهارم / شماره یکصد و بیست و پنج
دی ماه ۱۳۹۸ / قیمت ۲۰۰۰ تومان اختیاری

سیر انداخته تا چند در این جنگ مهیب؟!!

در این شماره میخوانید:

کوثر عشق یا تکاثر عقل؟!!

پسر کو ندارد نشان از پدر

نه قبلش، نه بعدش!!

شیر نفت را ببندید!!

دیپلماسی عزت

پینوشه زنده است...



صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه های اصفهان و علوم پزشکی

مدیر مسئول: امین جان نثاری

سر دبیر: خانم دریابیگی

همکاران این شماره:

آقایان: فروغی، هادی، زارع، محمدی، احمدی، فر، رسولی، قنبرزاده و جملی

و خانم ها: قوه عود، رفیعی، طیبی، قاسمی، سلیمانی، جان نثاری، جهانگرد، منصوری،

طاهری، جندقیان و عابدی

طراح جلد: حامد فدایی

صفحه آرا: آقایان معظمی، نصر، فدایی، فروغی، جان نثاری، زارع و جملی

آدرس: اصفهان، میدان آزادی، دانشگاه اصفهان و علوم پزشکی، جنب مصلی الغدير،

روبروی یاس ۱، دفتر مرکزی جامعه اسلامی دانشجویان

تلفن: ۰۳۱-۳۶۶۹۱۷۳۴

کد پستی: ۸۱۷۴۶-۱۸۱

پایگاه اینترنتی: www.jadesf.com



جامعه اسلامی دانشجویان
دانشگاه های اصفهان و علوم پزشکی

باور اندیشه / ماهنامه سیاسی فرهنگی دانشجویی
سال بیست و چهارم / شماره یکصد و بیست و پنج
دی ماه ۱۳۹۸ / قیمت ۲۰۰۰ تومان اختیاری



پرونده ویژه
اقتصاد مقاومتی

سپر انداخته تا چند در این جنگ مهیب؟!

در این شماره میخوانید:

کوتر عشق یا تکاثر عقل؟!

پسر کو ندارد نشان از پدر

نه قبلش، نه بعدش!!

نور نفت را ببندید!!

دیپلماسی عزت

پنوشه زنده است...



این نشریه تحت حمایت امور فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان است.



۸،۹

میم، مثل مجلس!

۶،۷

تبعیت از رهبری تا کی؟

۵

ما کشوری بسیار سالمند خواهیم
بود اگر امروز فکری نکنیم

۴

یک دست صدا ندارد

۳

الف.الف

۳۱

پسر کو ندارد نشان از پدر

۱۸،۱۹
۲۰

کوتر عشق، یا تکاثر عقل؟!

۱۶،۱۷

سخن نگاشت

۳۵

با مدیریت چرخ
زندگی ات را بچرخان

۱۴،۱۵

سپر انداخته تا چند
در این جنگ مهیب؟!

۳۶

نا، راحت شوید!!

۱۲،۱۳

خبر های خوب

۱۰،۱۱

آنچه در دانشگاه بر ما می گذرد

۳۳

خاطرات سفیر

۳۲

هیس! اینجا عده ای مشغول کار
ضد فرهنگی اند!

۳۰،۳۱

استخوان در گلو!!

۲۹

سوختن یا ساختن

۲۸

پنوشه زنده است...



الف.الف

در کشور هیچ بن بستى وجود ندارد زیرا مشکلات کشور شناخته شده است و برای همه آنها نیز راه حل های شناخته شده ای وجود دارد و فقط باید مسئولان کمر همت ببندند.

”

فی الحال روح اقتصاد باید تغییر کند جنس آن باید عوض شود. و ما اگر در این جنگ تمام عیار خوب و به درستی درگیر شویم و عمل کنیم نه تنها خودمان، بلکه همه ی دنیا را نجات می دهیم...

“

تمام عیار خوب و به درستی درگیر شویم و عمل کنیم نه تنها خودمان، بلکه همه ی دنیا را نجات می دهیم. راه این است تحریم ناپذیر شویم و وابستگی ها را از دست بدهیم. باید رزمنده ی جنگ اقتصادی داشته باشیم، کار جهادی را با تدبیر و کار عالمانه دنبال کنیم. مواجهه فعال و نه انفعالی، ابتکاری، امیدوارانه، از روی دلیری، با نگاه فرصت نگر، با اراده ی قوی و بهره گیری از تجربه ها.

اقتصاد با روح عالم، با روح طبیعت سازگار باشد. اینکه می فرمایند کاسب حبیب الله است یعنی اقتصاد اربعینی، یعنی هدفش این است علاوه بر کسب درآمد، گره از



کار مردم باز شود، مشکلی حل شود، نه اینکه صرفاً سود بدست آید.

فی الحال روح

اقتصاد باید تغییر کند جنس آن باید عوض شود. و ما اگر در این جنگ

حتماً تا کنون با حروفی مواجهه شده اید که مربوط به ابتدای چند کلمه باشند در کنار هم. برای مثال م.ب، ابتدای دو کلمه ی مسئول (نشریه ی وزین!) باور اندیشه است. امروز مسئله ی اصلی کشور همین است؛ الف.الف، اقتصاد استراحتی یا اقتصاد اربعینی؟

شکی نیست که در این زمان عرصه ی اقتصاد، عرصه ی جنگ است. جنگ تحمیلی اقتصادی سال هاست که آغاز شده و وزارت خزانه داری آمریکا رسماً به وزارت جنگ تبدیل شده است، ما در محاصره ایم و این حصر باید شکسته شود. البته این جنگ تمام عیار اقتصادی ماهیت جهانی دارد و تنها علیه کشور ایران نیست؛ لیکن باید مشخص شود ما در پی کدام اقتصاد هستیم؟ اقتصاد استراحتی که سود محور است و در قانونش پول، پول می آورد، که در این مسلک مردم با کار و تلاش کمتر به دنبال سود بیشتر خواهند بود؛ و می رسد به مبادله و خرید و فروش پول و ربا و... و با نگاه بر آیه ی (لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ) این جنس اقتصاد جواب نمی دهد. برای موفقیت باید



تشکل دینی



۹۹

برای ایجاد یک جریان واحد است که ضرورت روابط تشکل های دانشجویی مطرح می گردد. مسئله ای که مستلزم استقرار در یکسری مواضع مشترک بین همه تشکل های دانشجویی دانشگاه هاست. با پیگیری دو اصل قابل وصول است

۶۶

یک دست صدا ندارد...

دیگر تشکل ها به تنهایی کارآمد نیستند. ما نیاز به جبهه سازی داریم. هم افزایی و جبهه سازی...

صالحانه برای جامعه. (مگر آن که ثابت شود مثلاً فلان تشکل حقیقتاً این هدف را نداشته و فقط ریل لوکوموتیو قدرت یک جریان حزبی است که این بحثش جدا است.)

برای دو مورد بعد یعنی گفتمان مطالبه گری و عدالت خواهی، باید گفت وقتی گفتمان مطالبه گر حاصل می شود که نیازهای جامعه به عنوان اصل اول و شیوه رفع این نیازها به عنوان اصل دوم و هدف مطالبه گر یعنی دستگاه من مسئول به عنوان اصل سوم روشن و واضح باشد که باز این امر جز با تفاهم تشکل های دانشجویی با یکدیگر برسر مفاهیم این سه اصل حاصل نمی شود.

موضوع دیگر بحث عدالت و مسئله عدالت خواهی است که آن هم نیازمند همراهی تمامی آحاد جامعه است که وظیفه این روشننگری برای جامعه باز بر دوش دانشجویان و روحانیان آن هم به صورت توأمان است. این مسأله، نه تنها نیازمند اتحاد فکری دانشجویان، بلکه نیازمند اتحاد فکری دانشجویان و روحانیون به عنوان راهنمایان حدود شرع و مصلحت جامعه است.

تخصص علمی در زمینه مرتفع کردن مشکلات جامعه در حال حاضر و در طول دوران تحصیل و انتظار می رود بحث مطالبه گری است.

می دانیم که برای حل مشکلات امروز جامعه مطالبه گری به صرفه یک یا چند دانشجوی محدود کفایت نمی کند و مسأله یک جریان واحد گفتمان مطالبه گر عدالت طلب است.

برای ایجاد یک جریان واحد است که ضرورت روابط تشکل های دانشجویی مطرح می گردد. مسئله ای که مستلزم استقرار در یکسری مواضع مشترک بین همه تشکل های دانشجویی دانشگاه هاست. با پیگیری دو اصل قابل وصول است:

۱. دانشجویان تشکل ها با این فرض که هدف همه آنها مشترک عدالت خواهی برای جامعه است اقدام به رسیدن به تعاریف واحد اولیه برای مسیر مطالبه گری کنند. مانند تعاریف واحد از حکومت، جامعه، عدالت و مطالبه گری

۲. در طول این بحث و گفت و گو ها از عقل سلیم و دلی دل سوز برای مردم جامعه باید بهره برد نه گرایشات حزبی و موضع گیری های متعصبانه سیاسی که این حزب مانعی بر سر رسیدن به جریان واحد است.

این راه در صورتی قابل پیمودن است که هدف یکی باشد آن هم عدالت خواهی

بحث ما درباره ضرورت روابط تشکل های دانشجویی در دانشگاه هاست. از این مطلب باید شروع کرد که در هر دوره، مقتضیات زمان ایجاب می کند که افراد آگاه و مطلع از شرایط جامعه و حال مردم، نسبت به رفع نیازهای آنها یک شیوه خاصی را در پیش گیرند. این خاصیت که بتوان با توجه به شرایط زمان، با استفاده از عقل و علم به نیازهای اجتماعی نسبت به مرتفع کردن آن اقدام کرد، باعث تفاوت قشر دغدغه مند و متفکر جامعه از عموم آن می شود. حال این سوال پرسیده می شود که این افراد در جامعه چه کسانی هستند و نسبت به شرایط امروز چه شیوه و راه حلی برای بهتر شدن وضعیت اجتماع دارند؟

آنچه که ما امروزه مرتباً از طرق مختلف می شنویم این است که به خاطر ضعف مدیریت کشور مسئله رفع این نقص آنها بر عهده جوانان متخصص و متعهد به این جامعه است. کسانی که فارغ از حزب بازی ها و موضع گیری های سیاسی با تکیه بر تخصص علمی خود نسبت به این وظیفه سنگین اعلام آمادگی کنند که خود این گروه به دو دسته روحانیون و دانشجویان تقسیم می شوند.

در این نوشته قصد داریم تا بیشتر بر رسالت دانشجو در این حوزه و بسترهای لازم برای آن تاکید کنیم. آنچه از یک دانشجوی دارای جسارت جوانی و



ما کشوری بسیار سالمند خواهیم بود اگر امروز فکری نکنیم...

نگاهی به پنجره جمعیتی ایران...

۹۹

جمعیت، اصلی ترین عامل توسعه اقتصادی در هر کشور است. جمعیت بیشتر در یک کشور، به طور کلی بزرگترین فرصت و بهترین سرمایه اجتماعی رشد اقتصادی است...

۶۶

شصتی، ۶ میلیون فرزند آوردند. این ۶ میلیون فرزند در بهترین حالت میشوند ۳ میلیون زوج. و اگر این زوج ها هم رویه‌ی والدین خودشان را داشته باشند، در بهترین حالت ۳ الی ۴ میلیون بچه به دنیا خواهد آمد. آنها می شوند ۱/۵ الی ۲ میلیون زوج و نصف این جمعیت بچه و باز نصف این زوج و لذا با سر به سمت پیری و کاهش جمعیت سقوط میکنیم!

با وجود سیاست‌های نامناسب دولتی، چه بسیار از جوانان دهه پنجاهی که به تدریج قطعی رسیدند، چه تعداد از جوانان دهه شصتی مجردند، چه بسیار از زوج ها نابارور هستند و آنهایی هم که بچه می آورند، زیر نرخ جانشینی، یعنی تک فرزندی یا دو فرزندی و در بهترین حالت، سه فرزندی. درحالیکه درحال حاضر طبق محاسبات آماری و جمعیت‌شناختی و با توجه به نرخ بالای ناباروری، آمار بالای طلاق و گرایش شدید به فرزند کم در عموم جامعه، وجود دارد.

چشمان تاریخ ایران، دوخته به عملکرد جوانان دهه شصتی و هفتادی امروز است. برخی از راهکارهای برون رفت از بحران جمعیت به شرح زیر است:

کاهش سن ازدواج - کاهش میزان طلاق - کاهش میزان سقط - ترغیب فکری و فرهنگی مردم به فرزندآوری بیشتر - رسیدگی به مشکلات ناباروری یک پنجم زوج های کشور - تغییر بازه ی سن باروری و اصلاح سیستم بهداشتی درمانی

توسعه به کشوری توسعه یافته پنجره ی جمعیتی کشور ما حدود سال ۱۳۸۵ باز شده و تا حدود ۱۴۲۰ بازاست. جمعیت ایران بعد از خروج از پنجره، به سوی پیری مفرط حرکت میکند.

در سال ۱۴۲۵، اگر با همین دست فرمان زاد و ولد پیش برویم و فرصت این پنجره ی طلایی را از دست بدهیم، جمعیت ایران به حدود ۶۰ میلیون نفر کاهش پیدا کرده و شاخص سالمندی به حدود ۴۷ درصد خواهد رسید. یعنی حدود نصف افراد جامعه بالای ۶۵ سال سن دارند!!

در دوره‌ای که پنجره‌ی جمعیتی بازاست، سیاست‌گذاری ها باید به طور خاص بر عرضه و تقاضای نیروی کار متمرکز باشد. نکته‌ی مهم پنجره‌ی جمعیتی اینجاست که باید در آن به بهبود و ارتقاء نرخ باروری توجه ویژه کرد. چون اکثریت جامعه در سن باروری هستند و حتی اگر هر زوج یک فرزند هم بیاورند، با دیدی بسیار سطحی به نظر میرسد اوضاع خوب است، چقدر بچه و چقدر جوان و چه کشور پویایی و... اما نکته اینجاست که مثلا در ایران، این پیک ظاهری کودکان ناشی از پیک جمعیتی جوانان دهه‌ی شصت هست و اگر جوانان مانند والدین خودشان نسبت به فرزندآوری اهتمام نکنند، در زمان خیلی کوتاهی، این جوان ها به سرعت پیر شده و فرزندان آنها نمی توانند بستر مناسبی برای ایجاد تعادل جمعیتی ایجاد کنند

یعنی فرض کنید ۵ میلیون زوج دهه

جنگ جمعیت با گستره ی عظیمی که طی دهه‌های اخیر در سطح جهان اجرا می‌شود، نتیجه‌ی سیاست‌گذاری و فرماندهی مراکز متعددی از سوی سرمداران جهانی علی‌الخصوص آمریکا است.

یعنی کاهش جمعیت در کشورهای جهان سوم و علی‌الخصوص مسلمان، جزو فعالیت های دفاعی آمریکا برای امنیت ملی خودش محسوب می‌شود! در ادامه باید گفت که کشور ایران در دوره ی پنجره یا درپچه‌ی جمعیتی خود به سر می برد.

درپچه جمعیتی دوره ایست که در آن کمتر از یک سوم جمعیت کشور خارج از سن فعالیت (زیر ۱۵ ساله و بالاتر از ۶۵ ساله) و بیش از دو سوم جمعیت در سن فعالیت (۱۵ تا ۶۵ ساله) هستند.

در این دوره به علت ترکیب سنی جمعیت، برای هر کشور فرصت طلایی توسعه به وجود می آید.

نکته: پنجره‌ی جمعیتی در طول تاریخ جمعیتی هر کشور فقط یک بار باز می‌شود. یعنی هر کشور فقط یک دوره‌ی طلایی رشد و توسعه‌ی اقتصادی دارد.

جمعیت، اصلی ترین عامل توسعه‌ی اقتصادی در هر کشور است. جمعیت بیشتر در یک کشور، به طور کلی بزرگترین فرصت و بهترین سرمایه‌ی اجتماعی رشد اقتصادی است.

باز بودن پنجره‌ی جمعیتی یعنی فرصتی استثنائی برای تبدیل کشورهای درحال



تبعیت از رهبری تا کی؟!

شاید موضع گیری رهبر انقلاب در حمایت از تصمیم سران قوا در ابتدا برای جمع کثیری از حزب اللهی ها غیر منتظره بود و حتی آن ها را برآشفته و ناراحت کرد اما...

99

اگر رعایت قوانین و دستورات الزامی، تابع سلیقه های متنوع شود، آن کشور با هرج و مرج مواجه شده و قوانین آن ضمانت اجرایی نخواهند داشت...

66

نیست. اگرچه توجه و تفکر درباره این توصیه ها راهگشای بسیاری از مسائل است اما اظهار نظر، بحث و انتقاد پیرامون این امور اشکالی ندارد؛ فقط باید به این نکته توجه کرد که اگر نظرات و آرای مخالفی پیرامون توصیه ها و بیانات رهبری وجود دارد، نباید این آرا به گونه ای در سطح جامعه بیان شود که باعث تضعیف یا بی حرمتی به جایگاه ولی فقیه و حکومت اسلامی شود.

و اما سوم احکام حکومتی که ولی فقیه یا مستقیماً خود صادر می کند و یا از مجاری قانونی (مانند مجلس شورای اسلامی) صادر می شود. تبعیت از این احکام ولی فقیه برای همگان (حتی غیر مقلدان او) لازم و واجب است و تخلف از آن به هیچ وجه جایز نیست (حتی اگر شخصی آن قانون را خلاف مصلحت بداند) چون مشخص است که در هر کشوری اگر رعایت قوانین و دستورات الزامی، تابع سلیقه های متنوع شود، آن کشور با هرج و مرج مواجه شده و قوانین آن ضمانت اجرایی نخواهند داشت. البته در همین موارد هم - به ویژه قبل از صدور حکم - تحقیق و بحث علمی توسط کارشناسان امور می

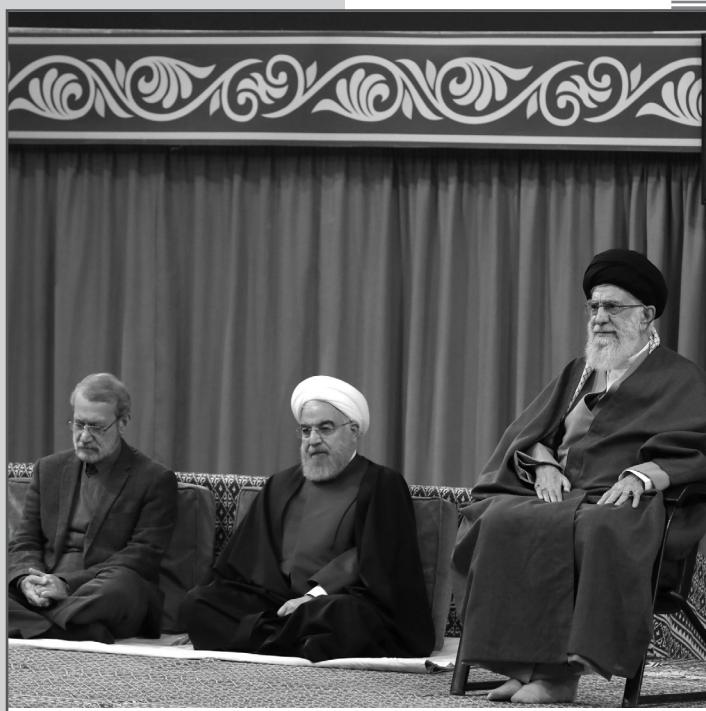
و مطیع محض است که شما اینگونه نیستید...

از آن جایی که در زمان غیبت امام معصوم (ع) ولایت و سرپرستی مومنان بر عهده فقیه عادل می باشد و فقها از طرف ائمه (ع) در همه مواردی که امامان در آن دارای ولایت هستند، ولایت دارند؛ بنابراین اطاعت از فقیه جامع الشرایطی که به تشکیل حکومت توفیق یافته و به عنوان ولی فقیه به رهبری، هدایت و مدیریت جامعه اسلامی می پردازد، امری کاملاً ضروریست و بر مردم و سایر فقها نیز لازم است. البته نکته ای که وجود دارد این است که تفکر پیرامون احکام صادره از جانب ولی فقیه و حتی نظر سازنده در مورد آن ممنوع نیست اما این موضوع نباید به مخالفت عملی و اخلال و هرج و مرج در جامعه منجر شود.

همچنین باید توجه کرد که سخنان ولی فقیه به سه دسته قابل تقسیم بندی است: اول فتواها که برای مقلدان او لازم الاجرا می باشد. دوم توصیه ها و بیانات ارشادی که بیشتر نقش آگاهی بخشی و روشنگری و هدایت دارد ولی الزامی بر اجرای آنها

اطاعت محض از امام معصوم (ع) ، از باور هایی است که شیعه از ابتدا به آن معتقد بوده و آن را در مقاطع مختلف تاریخی به شکل های گوناگون بروز داده است. مثال های فراوانی در این باب وجود دارد که شاید یکی از جالب ترین آن ها مربوط به اطاعت مالک اشتر از فرمان امام علی (ع) مبنی بر عقب نشینی در جنگ صفین باشد، آن هم درست زمانی که فقط چند ضربه ی شمشیر با سر معاویه و پیروزی در این نبرد فاصله داشت.

نمونه جالب دیگر که شاید آن را شنیده باشید مربوط به داستان صحابی امام صادق (ع) است. زمانی که یکی از یاران ایشان از خراسان نزد امام آمده و معترض بود که ما آماده یاری شما هستیم، چرا برای گرفتن حقتان قیام نمی کنید؟ و امام (ع) به او فرمودند که وارد تنور روشن شود اما او از این کار امتناع کرد. در این هنگام یکی از اصحاب باوفای امام (ع) وارد شد و همین دستور را از امام شنید و بی هیچ تعللی وارد تنور شد و در میان آتش نشست. اینگونه امام صادق (ع) به مرد خراسانی فهماندند که برای قیام نیاز به وجود یارانی این چنین گوش به فرمان



”

حمایت رهبری از این طرح
و تصمیم سران قوا، در واقع
حمایت از قانون و راهکار
قانونی بود...

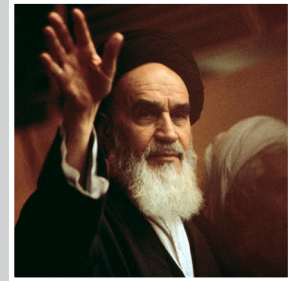
“

ساختارهای قانونی در کشوری آسیب ببیند هیچ کار مثبت و مفیدی در آن کشور قابل پیگیری نیست. بنابراین اگر امروز و این مصوبه قانونی سران قوا دچار خدشه می شد، در آینده هم باید منتظر می بودیم تا به بهانه تصویب هر قانون و مصوبه ای که عده ای آن را در تضاد با منافع یا علایق خود می دانستند، آشوب و فتنه ای جدید درست کنند؛ اما با این عملکرد به موقع و به جای رهبری و ولایت پذیری بی نظیر مردم در حمایت و اطاعت از ولایت فقیه، جلوی این روند معیوب گرفته شد. رهبری وظیفه خود را در محافظت از قانون و سازوکارهای قانونی، در راستای مراقبت از نظام و قانون اساسی، به نحو احسن انجام داده و مردم هم به بهترین شکل با آن همراهی نمودند اما حالا باید منتظر باشیم و ببینیم که نمایندگان مجلس شورای اسلامی، که وظیفه نظارت بر اجرای قوانین و عملکرد دولت را دارند و باید پیگیر نحوه صحیح اجرای این طرح در تخصیص منابع حاصل از افزایش قیمت بنزین و نیز نظارت بر عملکرد دستگاه های مربوط برای جلوگیری از افزایش قیمت اجناس و کالاها باشند، در این قضیه چگونه عمل میکنند؟! ”

برگرفته از
سایت پرسمان، حوزه نت

تواند به عنوان مشورت برای حکومت اسلامی ارائه شود که برای ارتقای مدیریت جامعه نیز موثر و لازم است. همچنان که در مورد موضع گیری اخیر رهبر انقلاب درباره اجرای تغییر قیمت بنزین هم مشاهده کردیم که ایشان با تاکید بر اینکه تصمیم سران سه قوه برای این طرح با پشتوانه نظرات کارشناسی کارشناسان امر بوده، از آن حمایت کردند و البته تذکرات لازم درباره شیوه اجرای این طرح و پیامدهای احتمالی آن را هم خطاب به مسئولان بیان نمودند؛ هم به صورت تذکر خصوصی به رئیس جمهور در روز جمعه، که بخشی از آن رسانه ای شد و هم در بیانات درس خارج فقه روز یکشنبه که نسبت به نظارت بر افزایش قیمت ها، به عنوان نگرانی جدی مردم، تذکر اکید داده شد. البته شاید این موضع گیری رهبر انقلاب در ابتدا برای جمع کثیری از حزب الهی ها غیر منتظره بود و حتی آن ها را برآشفته و ناراحت کرد اما همینجاست که مسئله اطاعت از امر ولی و اطمینان به تصمیم و نظر او مطرح می شود، تصمیمی که وقتی همین انقلابی ها و حزب الهی ها عمیق تر به زوایای مختلفش نگاه کردند به صحت و درستی آن پی بردند.

حمایت رهبری از این طرح و تصمیم سران قوا، در واقع حمایت از قانون و راهکار قانونی بود؛ چنانچه چندی پیش از این ماجرا هم، در بیاناتی درباره اهمیت مطالبه گری در چارچوب ساختارهای قانونی تاکید کرده و به این نکته مهم اشاره داشتند که اگر



میم، مثل مجلس!

مجلس در نظام جمهوری اسلامی از دیدگاه امام خمینی اهمیت بسیار بالایی داشته تا آنجا که ایشان منشا بسیاری از انحرافات در جامعه و سپهر سیاسی کشور را نشأت گرفته از مجلس می دانند.

دوم اسفند امسال بار دیگر ملت همیشه در صحنه ایران در آزمون بصیرت دیگری، یعنی انتخابات یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی شرکت خواهند کرد. اما این انتخابات و مجلسی که به لطف خدا از دل آن بیرون خواهد آمد به دلیل ورود به گام دوم انقلاب اسلامی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. پیچیدگی اوضاع داخلی و منطقه ای و تحولات سیاسی داخلی و بین المللی و از همه مهم تر مسئله اقتصاد کشور بر این اهمیت افزوده و تهدیدها و فرصت های جدیدی پیش روی ملت و نظام اسلامی گذاشته است که همه ی اینها از نظر کمی و کیفی با گذشته متفاوت بوده و انقلاب را به مرحله حساسی وارد کرده است. از این رو حضور میلیونی مردم در پای صندوق های رای انتخابات مجلس که بزرگترین فرصت و قوت نظام برای دفع تهدیدها بوده، در این مقطع حساس باید به تشکیل مجلسی بینجامد که ظرفیت محقق سازی الزامات حرکت در مسیر گام دوم انقلاب را داشته باشد. چنین مجلسی قطعاً باید از جنس مردم و اسلام و انقلاب باشد، زیرا تنها نمایندگان انقلابی و از جنس مردم می توانند به اقتصاد آشفته کشور سر و سامان ببخشند و در مقابل هجمه عظیم دشمنان انقلاب و کشور که به شدت از تاثیرگذاری انقلاب در منطقه به هراس افتاده اند و

امام خمینی تاکید زیادی داشتند که در مجلس از سیاسی بازی پرهیز شود و می فرمودند: «اگر خدای ناخواسته در مجلس انحرافی پیدا شود، چون به همه جا منعکس می شود، ممکن است انحراف در سطح گسترده ای پیدا شود و از الان بنای بر این بگذارید که ما یک جبهه کذا و یک جبهه کذا از اول بنای مبارزه باشد، مبارزه نیست، مباحثه است، مباحثه نرم اسلامی...» صحیفه امام/جلد ۲/ صفحه ۳۴۶

همچنین امام تاکید زیادی داشتند که مستضعفین در اولویت مجلس هستند و امید آن است که رسیدگی به حال مستمندان - که قسمت اعظم ملت مظلوم را در بر می گیرد- در راس برنامه ها قرار گیرد و در نخستین مجلس شورا اسلامی طرح هایی جدی در رفاه حال این طبقه محروم داده شود... صحیفه امام/ جلد ۲/ صفحه ۳۶۲

همچنین ایشان درباره ویژگی های نمایندگان مجلس می فرمایند: اسلام تنها کافی نیست، بلکه باید مسلمانی باشد که احتیاجات مملکت را بشناسد و سیاست را بفهمد و مطلع به مصالح و مفاسد باشد.

این ها پاره ای از اهمیت مجلس و معیار های نمایندگان تراز انقلابی در کلام بنیان گذار انقلاب بود.

اولین نشانه مردمی بودن انقلاب اسلامی، حضور همه جانبه اقشار مردم در انقلاب بود. انقلاب اسلامی ایران برخلاف بسیاری از انقلاب های دنیا در قرن اخیر، مبتنی بر برابری همه مردم در حقوق اولیه انسانی و برابری از نظر طبقاتی بود و اهداف خود را بر اساس منافع همه طبقات قرار داد و با همین هدف توانست اقشار مختلف را به صحنه مبارزه با رژیم پهلوی بکشاند و همه مردم را در راه همدل و همراه سازد.

یکی از ویژگی های دیگر انقلاب اسلامی از ابتدای شکل گیری، سیستم انتخاباتی قوای اصلی کشور است که همواره روح مردم سالاری دینی را در مجامع بین المللی و در جامعه به نمایش می گذارد. همچنین حضور مردم، مهر تاییدی بر پایداری و ایستادگی بر آرمان های امام و حفاظت از دستاورد های انقلاب است که به دنیا مخابره شده و دموکراسی را به نمایش می گذارد.

مجلس شورای اسلامی یکی از مهم ترین قوه هایی است که اعضای آن از طریق انتخابات مردمی تعیین می شوند و در کلام امام خمینی، بنیان گذار انقلاب اسلامی، مجلس از جایگاهی منحصر به فرد در ذیل نظام ولایت فقیه برخوردار است. ایشان در بیانات خود در صحیفه از معیار های مجلس سخن می گویند که در ادامه به آن می پردازیم:

”

مجلس شورای اسلامی یکی از مهم ترین قوه هایی است که اعضای آن از طریق انتخابات مردمی تعیین می شوند و در کلام امام خمینی، بنیان گذار انقلاب اسلامی، مجلس از جایگاهی منحصر به فرد در ذیل نظام ولایت فقیه برخوردار است.

“



به کار ببندد.

و نیز در بُعد خارجی، که جمهوری اسلامی در شرایط حساسی به سر می برد و آمریکا و هم پیمان منطقه ای آن برای مهندسی تحولات منطقه ای تلاش می کنند با دقت و ظرافت عمل کرده و سیاست های درستی راجع به برجام و تحریم ها اتخاذ کنند.

و در پایان باید بگوییم کرسی نمایندگی مجلس را باید به دست شخصیت های جوان و آزموده ای داد که مردمی، عدالت طلب و ضد فساد هستند و قدرت تامین انتظارات ملی را دارند و در دفاع از حقوق مشروع و قانونی مردم پیشگامند که این امر با حضور پررنگ و چشم گیر مردم انقلابی کشور عزیزمان ایران میسر می شود.

و اکنون پس از شکست ها و نا کامی های گذشته با تمام ظرفیت ها و با سناریو های چندوجهی به مصاف انقلاب آمده اند؛ با شجاعت و قاطعیت ایستادگی کنند. روند انتخابات مجلس یازدهم بسیار پرشورتر از دوره های گذشته آغاز شد، آن هم با وجود نارضایتی مردم نسبت به عملکرد دولت و مجلس کنونی و همچنین فشار های اقتصادی ناشی از سوء مدیریت ها و تحریم های بین المللی، انتظارات از مجلس یازدهم به شدت بالاتر از دوره های قبل است. به هر ترتیب ضرورت های مطرح شده، انتخابات این دوره را بسیار مهم تر از دیگر دوره ها کرده است و مشارکت های مردمی در آن با وجود همه نارضایتی ها به وضع موجود، به معنا مشروعیت بخشی به حق انتخاب و تعیین سرنوشت برای همه آحاد جامعه است و نباید دلسردی های پدید آمده حق انتخاب را از مردم بگیرد و نیز بر منتخبان واجب است مسیر های آزموده شده قبلی را اصلاح نموده و راه برون رفتی برای مشکلات داخلی و خارجی ترسیم نمایند و شفافیت، صداقت و پاسخگویی چیزی است که مردم از نمایندگان خود انتظار دارند. همچنین در گام دوم انقلاب اسلامی مجلس باید برای تقویت جایگاهش تلاش کند تا به راس امور بودن خود دست یابد، برای تحقق این امر راهی جز تغییر برخی ساختار ها نیست تا افراد توانمند بدون تکیه بر پول های کثیف پا به مجلس یازدهم بگذارند و فکری جز تحقق وظیفه ذاتی و قانونی نداشته باشند.

در این انتخابات با توجه به اعتراضات اخیر، باید توجه داشت که دو دسته افراد وجود دارند، عده ای در داخل و خارج کشور هستند که با توجه به مشکلات موجود و به خصوص مشکلات معیشتی

و اقتصاد که زمینه برای دوری مردم از انقلاب از فراهم شده، بر آتش تنور می دمنند و فاصله مردم با حکومت را بیشتر و عده ای دیگر نیروهای علاقه مند و دلسوز می باشند که در وضعیت موجود حضور خود را در انتخابات در فاکد اثربخشی لازم می دانند. پرسشی که از این دست از افراد مطرح است که آیا عدم حضور آن ها در انتخابات، منجر به واگذار کردن فرصت به اقلیتی زاویه دار با معیار ها و اصول اسلامی و جمهوری اسلامی نیست؟ که در صورت بلارقیب بودن، به عضوی از قوای تصمیم گیرنده برای حال و آینده کشور بدل خواهند شد که خطر و آسیبی که از این حیث متوجه کشور و جامعه خواهد شد برای هیچ کس قابل انکار نیست. عدم مشارکت گسترده مردم به هر دلیلی که باشد به مفهوم گام نهادن ناخواسته در مسیر دشمنان ایران است. آن چه مهم است این است که مردم در انتخاب نمایندگان خود آگاهانه و دلسوزانه مشارکت کنند و این امر را دغدغه بدانند و به کسانی رای بدهند که صدای آن ها هستند و در جهت سامان بخشیدن به وضعیت کنونی کشور، قادر به ایفای نقش موثر هستند. انتخابات مجلس شورای یازدهم می تواند نظام جمهوری اسلامی را جوان تر از آنچه هست کند و بحران مدیریت لیبرال و متکی به غرب را کاهش دهد. ملت ایران با توجه شرایط بیان شده به استقبال این انتخابات می روند. در بُعد داخلی، از مجلس یازدهم انتظار می رود در گام بلندی که نظام برای انجام اصلاحات اقتصادی و حمایت از تولید ملی برداشته است، درایت و پی گیری و نظارت و اعمال حساسیت های بیش تر و دقیق تر در راستای حل مشکلات مردم

”

کرسی نمایندگی مجلس را باید به دست شخصیت های جوان و آزموده ای داد که مردمی، عدالت طلب و ضد فساد هستند و قدرت تامین انتظارات ملی را دارند و در دفاع از حقوق و قانونی مردم پیشگامند که این امر با حضور پررنگ مردم انقلابی ایران میسر می شود.

“



آنچه در دانشگاه بر ما می گذرد...

ماجرای دانش آموزی که با چه امید هایی دانشجو می شود...



99

دنیا را دانشگاه به فساد
کشانده است. و دنیا
را دانشگاه می تواند به
صلاح بکشد. دانشگاه های
سرتاسر جهان اگر موازین
انسانی را، اخلاق انسانی را،
آنچه که در فطرت انسان
است، در کنار تعلیم و تعلیم
قرار بدهند، یک عالم، عالم
نور می شود. و اگر تخصصها
و علمها منفصل باشد از
اخلاق، منفصل باشد از
تهذیب، منفصل باشد از
انسان آگاه، انسان متعهد،
این همه مصیبت هایی که در
دنیا پیدا شده است از همان
متفکرین و متخصصین
دانشگاهها بوده

66

نمی گذارد به راحتی کنارش بگذاریم؟

پرورش دانشجو

تصور دانشجو از دانشگاه در میانه ترم
اول که اولین امتحان میان ترم را
تجربه می کند، شروع به خراب شدن
می کند؛ اما هنوز متوجه آنچه بر او
می گذرد نشده است، دانشگاه از او می
خواهد به یک عدد دست یابد همین
و نه چیز دیگری. او را برای زندگی
در آینده می خواهد، نه فردی که در
هر جایگاهی که قرار بگیرد احساس
رضایت داشته باشد و فارق از توانایی
و جایگاه علمی بتواند با مشکلات
ساده زندگی خود کنار بیاید. دانشگاه
حتی گویی هیچ برنامه ای برای حیات
دانشجویی او ندارد و برای او مقداری
غذا (فارغ از اهمیت به کیفیت) و یک
سقف (البته در صورتی که در ابتدای
ثبت نام از او تعهد نگرفته باشند که
دانشگاه هیچ گونه تعهدی نسبت به
خوابگاه ندارد) را کافی می داند.

حداقل توقع می رود دانشجو علیه این
کشتزار سیب زمینی حرکتی را آغاز
کند و بداند این تغییر ابتدا در خود او
آغاز می شود و وارد بازی نشود که
نهایتاً او را بی تفاوت به اطراف کرده
که دائماً سر در کتاب کرده و نهایتاً به

کسب نمره قناعت کند.

ولی مدیران دانشگاه چه؟ شاید گروه
هایی متخصص که جریان دانشجویان
در دانشگاه و خروجی دانشگاه را به
صورت واقعی بررسی و ارزیابی کند و
برای کاستی هایی که با زندگی واقعی
دانشجو ارتباط دارد، کاستی هایی که
اگر دانشجو نیز نمی شد با آنها درگیر
بود برنامه ریزی کند.

استاد به چه دردی می خورد؟

طبیعتاً دانشجویان در فهم مادی و
اخلاقی خود به استادان چشم می دوزند.
وقتی دغدغه دانشگاه بیشتر اشتغال
است تا تفکر و چک دستمزد بیش از
دانش اهمیت می یابد، نقش اساتید هم
تغییر می کند. مشکل آنجا بیشتر می
شود که دیگر در جامعه ای دانشگاه
دغدغه اشتغال هم نداشته باشد. در
این صورت است که در فرهنگ
دانشگاه بیشتر با دانشجویان مانند
مشتی برخورد می شود تا محصل.
به لطف فرم های ارزشیابی اساتید که
دانشجویان پر می کنند، اساتید هم
رنگ و بوی ارائه دهندگان خدمات را
پیدا می کنند.

تا سر کلاس دانشجویان را به نقد
نکشید و فراتر از کلاس با آنان تعامل



و مادی بشر باشد. علم و عمل، علم و تعهد به منزله دو بال هستند که با هم می‌توانند به مراتب ترقی و تعالی برسند.» امام خمینی (ره) ۲۷ آذر ۱۳۵۹

برگرفته سایت ترجمان
tarjomaan.com

امروز باید توجه قرار بگیرد انسان سازی دانشگاه است که فرایند لیبرالی و سرمایه‌دارانه ای که بر دانشگاه‌ها در حال اجراست، شرایط هر روز نگران کننده تر می‌شود

اهمیت موضوعات مطرح شده در این نهادها با استفاده از این فضای گفتمانی شناخته می‌شود.

ضمناً هیئت‌های اندیشه ورز که در آنها دانشجویان پژوهشگر حضور دارند به حل مشکلات و مسائل پیشنهادی و درخواستی دانشگاه بپردازند.

گام دوم

در پایان نکته ای که بیشتر از همه امروز باید توجه قرار بگیرد انسان سازی دانشگاه است که با فرایند لیبرالی و سرمایه دارانه ای که بر دانشگاه‌ها در حال اجراست، شرایط هر روز نگران کننده تر می‌شود. این در حالی است که در گام دوم باید رو به تقویت معنویت در دانشگاه ببریم، هیچ برنامه ای موثر و ملموسی دیده نمی‌شود، حتی این بار گزارشی نیز برای فریب وجود ندارد.

سخن پایانی

«دنیا را دانشگاه به فساد کشانده است و دنیا را دانشگاه می‌تواند به صلاح بکشد. دانشگاه‌های سراسر جهان اگر موازین انسانی را، اخلاق انسانی را، آنچه که در فطرت انسان است، در کنار تعلیم و تعلم قرار بدهند، یک عالم، عالم نور می‌شود. و اگر تخصص‌ها و علم‌ها منفصل باشد از اخلاق، منفصل باشد از تهذیب، منفصل باشد از انسان آگاه، انسان متعهد، این همه مصیبت‌هایی که در دنیا پیدا شده است از همان متفکرین و متخصصین دانشگاه‌ها بوده. این دو مرکز - که مرکز علم است - هم می‌تواند مرکز تمام گرفتاری‌های بشر باشد و هم می‌تواند مرکز تمام ترقیات معنوی

نکنید، نمی‌توانید مرجع اخلاقی آنها باشید. اگر شما استادان اینگونه عمل نکنید، درس، دیگر نمی‌تواند به ذهن‌های مشتاق، وسعت دید بخشد. آن وقت درس تنها درخواستی است که باید به آن پاسخ گفت و تنها کار مهم شما کمک در انجام تکالیف است. پای دانشجویان که به میان آید، شما تنها یک مرجعیت دارید: نمره‌هایی که می‌دهید. شما ذهنی مخوف یا نوری اخلاقی، الگویی نمونه یا منبع الهام نیستید؛ بلکه تنها چند تن از مسئولانید. چگونه می‌توان تغییری ایجاد کرد.

مدت‌های طولانی تلاش دانشجویان برای این بود که در دانشگاه نقش موثرتری در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشند و به عبارت دیگر فضای دموکراتیک را در دانشگاه تجربه کنند؛ مثلاً یکی از مطالبات این بود که دانشجویان بتوانند در هیئت‌رئیس دانشگاه‌ها نماینده‌ای داشته باشند، یا این که بتوانند کارمندان را تشویق کنند تا در تصمیمات دانشکده مشارکت داشته باشند. این تلاش‌ها با نوآوری دانشجویان به سطحی از موفقیت دست یافت. بیشتر دانشگاه‌های امروزی میزانی از مشارکت دانشجویان را در تصمیمات دانشکده لحاظ می‌کنند. بنابراین، یکی از اهدافی که باید آن را پیش‌تر ببریم ایجاد نهادهایی است که مشارکت افراد را در پی خواهد داشت، فضای گفتمان سازی به ایجاد مطالبات در سطح دانشگاه را به وجود خواهد آورد، ضمن این که بدیهی است که اگر به حداقل تغییراتی نتوان دست یافت

خبر های خوب...



۹۹

در حال حاضر ایران:

-رتبه نخست تولید زعفران،
پسته و زرشک

-رتبه دوم تولید زردآلو و خرما

-رتبه سوم تولید هندوانه،
گیلاس، سیب و خیار

-رتبه چهارم تولید گوسفند،
میوه جات، به، بادام و گردو را
در جهان دارد.

۶۶



بررسی پیشرفت های کشور در عرصه های سلامت، کشاورزی، اشتغال و کارآفرینی

افزایش شاخص های سلامت جامعه نسبت به منطقه

افزایش تعداد پزشکان در کشور و رفع نیاز کامل نیاز کشور به جذب پزشک خارجی و همچنین تغییر و تبدیل کشور به قطب منطقه ای توریسم سلامت و پذیرش و درمان بیماران خارجی در انواع بیماری ها و همچنین دستیابی به دانش کشت سلول ها بنیادی، قرار گرفتن در ردیف کشورهای برتر پیوند کلیه و درمان بیماری های چشمی، کسب تجارب ارزشمند برای مقابله با عوارض و بیماری های ناشی از مواد شیمیایی، کسب رتبه نخست تولید دارو در سطح خاورمیانه، تولید ۹۷ درصدی داروهای مورد نیاز و صادرات دارو از جمله داروهای بیوتکنولوژی، خودکفایی در ساخت انواع واکسن ریشه کنی فلج اطفال و انواع بیماری های واگیردار، پوشش ۱۰۰ درصدی واکسیناسیون و هزاران دستاورد دیگر بخشی از مهم ترین دستاوردهای نوین بخش پزشکی هستند.

کسب رتبه های برترجهانی در عرصه ی کشاورزی

فائو(سازمان خواربارو کشاورزی ملل

متحد) به صورت رسمی اعلام کرد که ظرفیت کشاورزی در ایران بسیار بالاست. لذا درصورت اعمال برنامه های راهبردی در حوزه کشاورزی می توانیم به رده های بالاتر اقتصادی دست پیدا کنیم. در حال حاضر ایران:

رتبه نخست تولید زعفران، پسته و زرشک
رتبه دوم تولید زردآلو و خرما

رتبه سوم تولید هندوانه، گیلاس، سیب
و خیار

رتبه چهارم تولید گوسفند، میوه جات، به،
بادام و گردو را در جهان دارد.

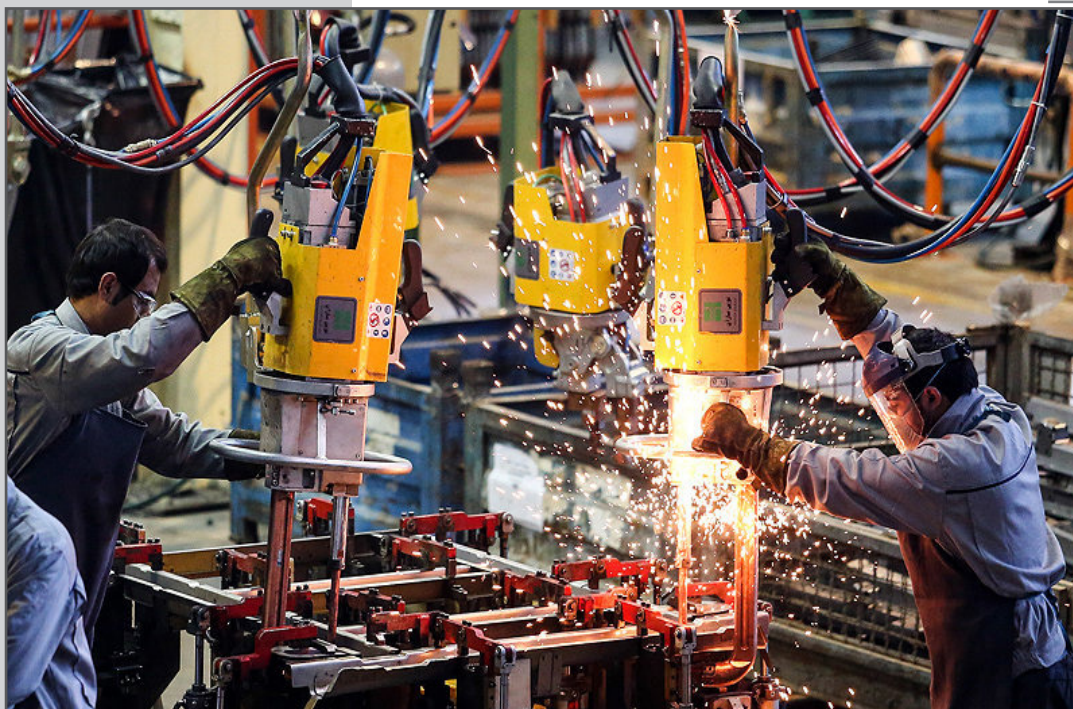
اشتغال هزاران نفر در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور

طبق گفته های دبیر شوری عالی مناطق آزاد تجاری و صنعتی و ویژه اقتصادی، یک هزار و ۸۰۰ واحد صنعتی و تولیدی با اشتغال زایی ۵۰۰ هزار نفری در مناطق آزاد و ویژه فعالیت می کنند. از حدود ۴۸ میلیارد دلار صادرات به خارج ۲۴ میلیارد دلار فقط از مناطق ویژه انجام می شود. آزادی دانشمندان برجسته کشور از چنگال آمریکا

مسعود سلیمانی پژوهشگرحوزه سلول های بنیادی و دانشیار دانشگاه تربیت

مدرس و جزو یک درصد دانشمندان برتر جهانی از حیث استندهای علمی در مجلات معتبر دنیااست. دکتر سلیمانی ۱۵ مهر سال گذشته که برای فرصت مطالعاتی عازم آمریکا شده بود توسط امریکا در اقدامی غیرقانونی و با زیر پا گذاشتن پروتکل های دانشگاهی و تحقیقاتی بازداشت و به زندان منتقل شد. دکتر سلیمانی پس از آزادی در دانشگاه اصفهان در جمع بسیجیان استان حضور یافتند و رو به دانشجویان حاضر با تاکید بر روی کار و درس و تولید بیان کردند: «ما باید خودمان تولید کنیم، خودمان بسازیم باید یک کشور اسلامی پیشرفته و بتوان که روی پای خودش بایستد نه اینکه وابسته باشد بسازیم. علم ودانش شما تولید ومحصول شما، پیشرفت کشورهای اسلامی خیلی برای دشمن سنگین است که بعد از آزادی من اعلام کردند که گروگانگیری ما تمام شد خودشان عملا اعتراف به گروگانگیری کردند، ما حتما داریم به جاهای خوبی می رسیم که دشمن این همه نسبت به ما بغض و کینه دارد.»

امریکا از ایشان درخواست کرده بود که



در صورتی که بماند و در دانشگاه های امریکا خدمت کند آزاد می شود اما ایشان قبول نکردند و گفتند: «می خواهم اگر خدمتی میکنم به کشور و مردم خودم بکنم.»

حضور فعال بانوان در حوزه ی کارآفرینی

یکی از مناطقی در ایران که دارای باغ های زیتون است استان لرستان می باشد. یکی از بانوان خلاق و کوشای این استان توانسته است با تولید ارگانیک این محصول زمینه را برای اشتغال چندین نفر فراهم کند. نکته جالب توجه این است که تمام مراحل کاشت این زیتون ها به صورت سنتی انجام گرفته و در کشت آن از کود، سم و مواد شیمیایی استفاده نشده است.

این بانوی کارآفرین لرستانی به دلیل تولید این محصول باکیفیت برای اولین بار در لرستان موفق به کسب استاندارد تشویقی شده است. لازم به ذکر است که این کارآفرین، موفق به تولید ۴۵ تن زیتون شده است.

جان گرفتن دوباره چرخ دنده های خسته واحدهای صنعتی

رئیس خانه صنعت آذربایجان غربی گفت: از ابتدای امسال تا کنون ۴۷ واحد را که این استان به چرخه تولید بازگشتند و پیش بینی می شود تا پایان سال این تعداد به ۶۰ واحد افزایش یابند.

هنر نزد ایرانیان است و بسی شهرهای شیراز، زنجان، ملایر وقاسم آباد

از ایران برای کسب عنوان جهانی در حوزه صنایع دستی کاندیدا شده اند. ایران سومین کشور تولیدکننده صنایع دستی جهان از لحاظ تنوع و نخستین کشور دنیا از نظر ثبت شهرها و روستاهای جهانی است، تلاش شده است تا صنایع دستی به عنوان یک صنعت بزرگ شناخته شود و نقش مهمی در اقتصاد و اشتغالزایی ایجاد کند.

وقتی چینی ها وارد کننده ی جنس ایرانی می شوند.

یک تیم تحقیقاتی از پژوهشگران ایرانی در حوزه نانو، تجهیزات نانویی به همراه بسته های آموزشی به کشور چین صادر می کنند. محصولات نانو صادرات

بسیار خوبی داشته، ۴۵ کشور متقاضی دریافت محصولات نانویی ایران هستند. کشورهای همسایه بیشترین خرید این محصولات از ایران را دارند.

منابع:

خبرگزاری فارس، تسنیم، مهر، ایرنا

یک تیم تحقیقاتی از پژوهشگران ایرانی در حوزه نانو، تجهیزات نانویی به همراه بسته های آموزشی به کشور چین صادر می کنند. محصولات نانو صادرات بسیار خوبی داشته، ۴۵ کشور متقاضی دریافت محصولات نانویی ایران هستند.

پرونده ویژه
اقتصاد مقاومتی

باور اندیشه / ماهنامه سیاسی فرهنگی دانشجویی
سال بیست و چهارم / شماره یکصد و بیست و پنج
دی ماه ۱۳۹۸ / قیمت ۲۰۰۰ تومان اختیاری



سپر انداخته تا چند در این جنگ مهیب؟!

در این شماره میخوانید:

کوثر عشق یا تکاثر عقل؟!

پسر گو ندارد نشان از پدر

نه قبلش، نه بعدش!!

شیر نفت را ببندید!!

دیپلماسی عزت

پینوشه زنده است...





سپر انداخته تا چند در این جنگ مهیب؟!

انحصار اقتصادی

از بعد از جنگ جهانی دوم تغییراتی در اهداف اقتصادی کشور های بزرگ دنیا ایجاد شد. قبل از جنگ جهانی دوم تلاش اقتصادی هر کشور در این مسیر بود که تولیدات خود را به جایی برساند تا بتواند نیازهای جامعه خود را ارضا نماید اما وقتی چرخ های اقتصادی به کار افتاد و کارخانجات، هزینه ثابت زیادی را به کار بستند، هدف، تولید بی نهایت شد. بگذارید تا با یک مثال این مقوله را توضیح دهیم. فرض کنید شما یک کارخانه اتومبیل در یک سرزمین وسیع با هزینه ساختمان و تجهیزات (به عنوان هزینه ثابت) راه انداخته اید. هرچه بیشتر بتوانید از اتومبیل بفروشید هزینه ثابت بیشتر سرشکن می شود و هزینه هر واحد یعنی قیمت تمام شده هر خودرو کمتر می شود فلذا شما می توانید کالای خود را در رقابت های بین المللی ارزان تر عرضه کنید و تقاضای بیشتری به دست آورید و این مجددا روی میزان فروش شما تاثیر دارد.

بر اساس این تئوری که «Economies of scale» نامیده می شود، مهمترین مسئله ای که به وجود می آید محدودیت امکان فروش این کالاهای تولید شده ی زیاد است که باید

برای آن بازار فروش یافت. هم چنین مشکل منابع اولیه و نیروی کار برای تولید نیز یک مشکل اساسی است و از آنجا که بازارها اشباع می شوند بنابراین باید برای کالاهای تولید شده تقاضا به وجود آورد. از اینجا به بعد بود که رویه اقتصاد جهان تغییر کرد. در واقع اگر تاکنون هدف ارضای نیاز بود و اقتصاد و تولید وسیله ارضای نیاز، از این به بعد جایگاه هدف و وسیله تغییر کرد. بنابراین تولید کنندگان مجبور شدند تا در بازارهای موجود به وسیله تبلیغات و به طور مصنوعی نیاز و تقاضا ایجاد کنند و همچنین بازارهای جدید پیدا کنند که البته یکی از مناسب ترین بازارها کشورهای مستعمره بودند.

■ کوثر عشق یا تکاثر عقل؟!

■ پسر کو ندارد نشان از پدر

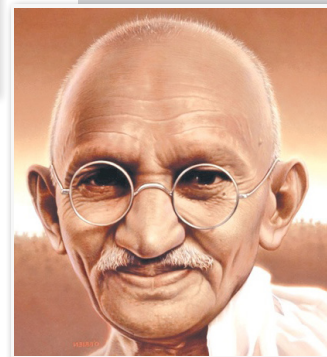
■ نه قبلش، نه بعدش!!

■ شیر نفت را ببندید!!

■ دیپلماسی عزت

■ پینوشه زنده است...

سخن نگاشت



گاندی

من نمی خواهم به دور خانه ام دیواری بکشم و پنجره هایم را بپوشانم. من دوست دارم تمامی فرهنگ های جهان با آزادی کامل به خانه ام بوزند. اما نمی گذارم زیر پایم را سست کنند. من نمی خواهم در خانه های دیگران مثل یک برده و گدا زندگی کنم.

هر جامعه ای باید خود احتیاجات خود را رفع کند. من برای برقراری قانون اساسی ای تلاش خواهم کرد که هند را از بندگی و بنده نوازی رهایی بخشد. من لباسی می پوشم که خودم آن را بافته ام و از شیر بزی می خورم که خودم آن را پرورش داده ام.

« وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا...: اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید...» (النساء/۵)

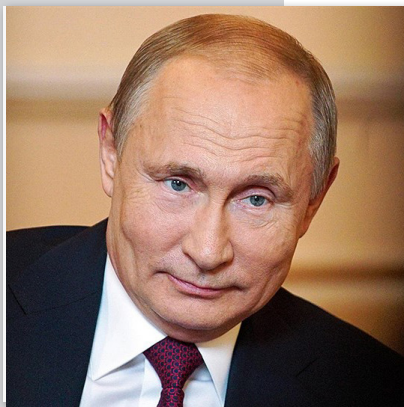
«...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا: و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است» (النساء/۱۴۱)

سید علی حسینی

اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند؛ هم آسیب پذیری اش کاهش پیدا کند؛ یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند.

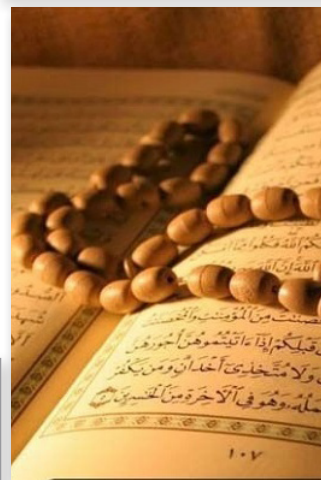
اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی-علمی است که بر آمده از فرهنگ انقلابی-اسلامی ما است، متناسب با وضعیت امروز و فردای ما است، مربوط به وضع کنونی و شرایط کنونی کشور نیست، این یک تدبیر بلند مدت برای اقتصاد کشور است، می تواند اهداف نظام جمهوری اسلامی را در زمینه ی مسائل اقتصادی برآورده کند، می تواند مشکلات را برطرف کند.

اقتصاد مقاومتی الگوی اقتصاد بومی، اقتصاد پیشرو، اقتصاد عدالت بنیان، اقتصاد مولد و درون زا و اقتصاد دانش بنیان است.



الْعَمَلُ الْعَمَلُ ثُمَّ النَّهْيَةُ النَّهْيَةُ وَ الْاسْتِقَامَةُ الْاسْتِقَامَةُ ثُمَّ الصَّبْرُ
الصَّبْرُ وَ الْوَرَعُ الْوَرَعُ إِنَّ لَكُمْ نَهَايَةً فَانْتَهُوا إِلَى نَهَايَتِكُمْ

کار کنید و آن را به پایانش رسانید و در آن پایداری کنید ؛ آن
گاه شکیبایی ورزید و پارسا باشید.
قسمتی از خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه



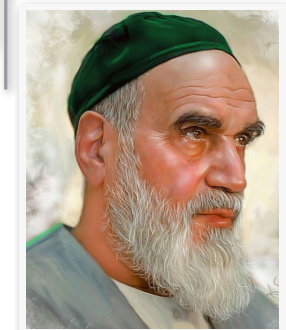
ولادیمیر پوتین

زمانی که ما مرکز صادرات روسیه را ایجاد کردیم و
ابزارها را برای حمایت از صادرات فناوری پیشرفته
به کار گرفتیم در حقیقت می‌خواهیم بگوییم که
بسیار سخت است که در بازارهای بین‌الملل
شکست بخوریم. طرف‌های مقابل ما بازارهایشان
را بسته‌اند و به‌رغم اینکه قانون تجارت جهانی را
وضع می‌کنند اما رویه محافظه کارانه‌ای در پیش
گرفته‌اند. ما همواره بازار داخلی خود را حمایت
خواهیم کرد و تولیدکنندگان هم باید با این مسئله
کنار بیایند اگر مشکلی هم وجود داشته باشد ما
باید درباره رفع این مشکل تلاش کنیم.

ریشه مشکلات اقتصادی روسیه در سال ۱۹۹۰
اتفاق افتاد، زمانی که به صورت غیرکنترلی اقلام
زیادی وارد کشور شد و بازار داخلی را بهم ریخت.
ما باید بدانیم که چه کار می‌کنیم و چگونه
محصولات خود را تولید می‌کنیم که به ما کمک
کند تا پیشرفت کنیم.

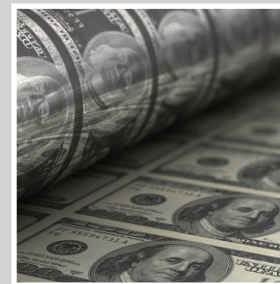
موسوی خمینی

حتماً وقتی کالای ایرانی را مصرف می‌کنید به کارگر ایرانی
دارید کمک می‌کنید، اشتغال ایجاد می‌کنید، به سرمایه
ایرانی هم دارید کمک می‌کنید وقتی شما آن جنس خارجی
را انتخاب می‌کنید یک کارگر ایرانی را بیکار می‌کنید و
یک کارگر غیر ایرانی را به کار وادار می‌کنید. مگر امروز
بیکاری مشکل عمده جامعه نیست وقتی شما اینطور گردید،
من اینطور گردم، آن برادر دیگر، آن خواهر دیگر و یکی
یکی از این روش پیروی کردید نتیجه چه می‌شود؟ نتیجه
ورشکستگی کارخانه داخلی بیکاری کارگر داخلی و در نهایت
باعث ناامیدی سرمایه گذار داخلی می‌شود.



کوثر عشق یا تکاثر عقل؟!

اساس علم اقتصاد متعارف جهان چیست و چه دیدگاه هایی در آن متجلی است؟ مناسبات میان اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی چیست؟



99

علم اقتصاد متعارف را می توان محصول دوره ی رنسانس در نظر گرفت. دو مبنای ایدئولوژیک مهم در دوره ی رنسانس وجود داشت که به نظر می رسد این دو ایدئولوژی تا حد زیادی در نظریه اقتصاد متعارف متجلی شده است:

دئیسم و اومانیسیم

66

دانش در علم اقتصادی متعارف به طور کلی به دو شاخه ی اقتصاد خرد و کلان تقسیم می شود. اقتصاد خرد آن است که رفتارهای اجزا و عوامل خرد اقتصادی را تبیین می کند. در این شاخه ی علم اقتصاد ۳ عامل مصرف کننده، تولید کننده و دولت وجود دارد. لکن اقتصاد کلان به اتفاقاتی می پردازد که در سطح کلان اقتصاد رخ می دهد، به متغیرهایی که به وضعیت کلی اقتصاد مرتبط است نه به یک فرد یا یک جز خاص. مثلاً تورم، افزایش سطح عمومی قیمت ها و...

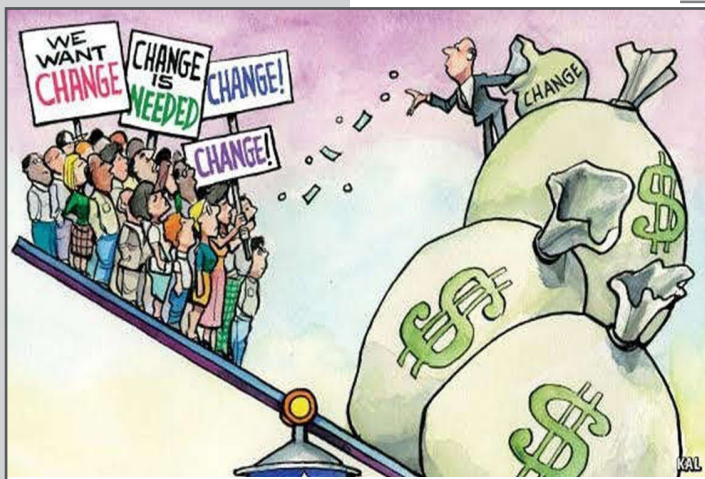
وقتی که رفتاری در اقتصاد خرد بررسی می گردد ۲ دسته پیش فرض مد نظر گرفته می شود: پیش فرض اول محیط اقتصادی بوده و پیش فرض دوم مربوط به انسان یا عاملی است که می خواهد فعالیت اقتصادی کند (مصرف کننده یا تولید کننده). مثلاً در مورد رفتار مصرف کننده، محیط اقتصادی اینگونه در نظر گرفته می شود: گفته می شود که فرد در محیطی با تعداد کالای محدود ولی به اندازه ی نامحدود قرار گرفته است. بدین صورت که مثلاً فرد تنها می تواند از دو کالای X و Y ولی به اندازه ی نامحدود استفاده کند. هم چنین فرض بر این است که قیمت کالاها ثابت است. یا در خصوص رفتار شخص مصرف کننده، فرض می شود که مصرف کننده به دنبال حداکثر کردن مطلوبیت و رفاه شخصی

خود است. یا درباره ی تولید کننده گفته می شود که اصل اساسی تولید کننده در رفتار، حداکثر کردن سود است. آنچه که امروز به عنوان روش اصلی علم اقتصاد متعارف در نظر گرفته می شود، روش ((اثبات گرایی)) است. یعنی صرفاً به بررسی و مشاهده ی واقعیات می پردازد و فارغ از هر نوع نگاه ارزشی و هنجاری است. از این رو اقتصاد دانان متعارف معتقدند که علم اقتصاد کنونی عاری از هرگونه ارزش گذاری و نگاه هنجاری و ایدئولوژیک است و نظریه هایی که تولید می شوند صحیح اند و واقعیت هارا بیان می کنند و همه در همه زمان ها و مکان ها قابل اتکا هستند.

اما در واقع، امر نشان داده شده اینگونه نیست و علم اقتصاد به هیچ عنوان نمی تواند فاقد ارزش باشد. پیرو مینی درباره ی اقتصاد می گوید: ((اقتصاد، محصول برخورد ذهن با واقعیت های خارجی است)). بدین معنی که پیش فرض ها، متغیرها و روش تحقیق تحت تاثیر ارزش های پژوهش گر اقتصاد تعیین می شوند. و اگر نه، چرا تنها روش اثبات گرایی و مشاهدات مادی و عینی در تحلیل استفاده می شود و از شناخت و حیانی استفاده نمی شود؟ چرا انسان اقتصادی لذت طلب و خودخواه (به این معنا که تنها به فکر حداکثری کردن سود خود است) در نظر گرفته شده است و در

مورد نوع دوستی، صدقه و انفاق نظریه پردازی نشده است؟ علم اقتصاد کنونی را می توان محصول دوره ی رنسانس در نظر گرفت. دو مبنای ایدئولوژیک مهم در دوره ی رنسانس وجود داشت که به نظر می رسد این دو ایدئولوژی تا حد زیادی در نظریه اقتصاد متعارف متجلی شده است: دئیسم و اومانیسیم

دئیسم به معنای نفی ربوبیت خداوند و صرفاً اعتقاد به خالقیت اوست. بدین معنا که خداوند یک خالق بازنشسته است. یعنی موجودات، کره زمین و... را آفریده و صرفاً نظمی درونی در آن ها بوجود آورده است تا به طور خودکار به تعادل برسند و خود به کنار رفته است. اومانیسیم نیز بدین معنا است که انسان محور همه چیز است. در واقع در تلقی علم اقتصاد انسان و خواسته های اوست که تعیین می کند چه کاری درست و چه کاری غلط است. انسان اقتصادی به عنوان تجلی بعد اقتصادی انسان شناسی اقتصاد متعارف ۴ ویژگی دارد: خودخواه است، لذت طلب است، تنوع طلب است و بی نهایت طلب است. چنین انسانی به عنوان انسان اقتصادی و به عنوان مصرف کننده یا تولید کننده در نظر گرفته می شود. از این مبانی انسان شناسی علم اقتصاد متعارف، اقتصاد اینگونه نتیجه گیری می کند که انسان و جامعه ای که همه انسان هایش بدین گونه رفتار کنند،



هست؛ چون از سویی خودش یک غول خرده‌فروشی است و از سوی دیگر، پلتفرم پیشروی آنلاینی است که فروشندگان طرف ثالث می‌توانند در آن محصولاتشان را بفروشند. آمازون تعیین می‌کند که چه کالاهایی قابلیت فروش در بستر آمازون را دارند و کدام محصولات این فرصت را ندارند، ضمن آنکه آمازون با هر ذینفعی که به موفقیت برسد، رقابت را شروع می‌کند.))

شرایط کنونی دنیا نیز همینگونه است. وقتی گمرکی برای یک کشور وجود دارد، برای کالاهای وارداتی تعرفه وضع می‌شود و یا از ورود بعضی از کالاها جلوگیری می‌شود و در واقع یک فضای حمایتی برای اقتصاد آن کشور ایجاد می‌کند. وقتی این سپر حمایتی برداشته شود کشورهایی که اقتصاد پیشرفته‌تری دارند هجوم خواهند آورد و اقتصادهای ملی کوچک‌تر را از بین خواهند برد. در این صورت تولید محصولات با تکنولوژی بالا و ارزش افزوده بالا به کشورهای توسعه یافته (سلطه‌گر) واگذار خواهد شد و کشورهای ضعیف (سلطه پذیر) در برابر کشورهای قوی‌تر صرفاً می‌توانند مواد اولیه

دارد (لذت طلب، خودخواه و ...)، به دنبال حداکثری کردن مطلوبیت و رفاه خودش خواهد بود و در ادامه‌ی استدلال آن‌ها تولیدکننده‌ای با این چنین ویژگی‌های انسان‌شناختی هم برای حداکثر کردن سود خود بازار عرضه را ایجاد خواهد کرد و بنابراین تولیدکننده و مصرف‌کننده به بهترین حالت ممکن به یکدیگر خواهند رسید. (قیمت محصولات، کم‌ترین قیمت و مقدار تولید بیشترین مقدار خواهد بود و رفاه کل اقتصاد حداکثر خواهد بود.)

اما نکته‌ای که در این فرضیات در نظر گرفته نشده است چیزی نیست به جز ((انحصار طلبی و استعمار)). در خصوص تولیدکنندگان فرض این بود که تعداد تولیدکنندگان بی‌نهایت باشد و این بی‌نهایت تولیدکننده است که در رقابت با یکدیگر برای جلب تقاضای مشتری و مصرف‌کننده سعی خواهند کرد که کارایی خودشان را حداکثر کنند. اما در واقعیت در هیچ بازاری تعداد تولیدکننده بی‌نهایت نیست و در خیلی از بازارها انحصار طلبی وجود دارد. در شرایطی که انحصار وجود دارد، آزاد گذاشتن بازار (به معنای آنکه هیچ دخالتی بر اقتصاد وجود نداشته باشد) برای مثال دولت‌ها در اقتصاد دخالت نکنند و یا گمرکات حذف شوند (به معنای آزاد گذاشتن دست انحصارگر است). به این معنا که انحصارگر هر کاری که می‌خواهد انجام می‌دهد و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهد می‌فروشد که به شدت باعث لطمه خوردن رفاه کامل اقتصادی می‌شود.

جان‌اتان تیر در کتاب خود با عنوان ((اسطوره کاپیتالیسم: انحصارها و مرگ رقابت)) با بیان یک مثال به خوبی به بررسی این موضوع می‌پردازد:

((آمازون خرده‌فروشان را از صحنه به در می‌کند، و دچار تعارض منافع هم

رفاه کلش حداکثر خواهد بود که این خود در واقع بیانی از اومانیسیم است. لغت ویچ در این رابطه می‌گوید: خواسته‌های انسانی سرچشمه فعالیت‌های اقتصادی بوده و تأمین این خواسته‌ها هدف نهایی فعالیت‌های اقتصادی بشر می‌باشد، به طوری که خواسته‌های بشر را می‌توان در واقع قدرت محرکه سیستم اقتصادی دانست.

هائز، بسیار صریح‌تر این مطلب را بدین شکل بیان می‌کند: جز ملاحظه منافع شخصی، چیز دیگری نمی‌تواند انگیزه رفتارهای آدمی باشد و حتی اگر عقل و منطق، کوته‌بینی او را در این اعمال رقابت‌آمیز به وی بنمایاند و حتی اگر آدمی درک کند که بهترین راه تأمین منافع شخصی او همکاری و تعاون با هم‌نوعانش است، باز هم برای او فایده‌ای نخواهد داشت؛ زیرا عقل انسان در تحلیل نهایی، بنده و خدمتگزار شهوات او است، و چون عقل آدمی متکی به شهوات او است، تنها وظیفه‌اش این است که به وسیله جست و جوی عواملی که می‌توانند شهوات را ارضا کنند، در خدمت انسان قرار گیرد.

حال که با مبانی و کلیات اقتصاد متعارف آشنا شدیم، اجازه دهید تا مغالطات آن را نیز بررسی کنیم.

اولین مغلطه بحث فاقد ارزش بودن نظریات اقتصاد متعارف است، که در مورد آن صحبت کردیم و دانستیم عملاً هر مکتب اندیشه‌ای بر خواسته از نوعی ایدئولوژی است و این فرض باطل است. مورد دیگر بحث حداکثر شدن رفاه عمومی در اقتصاد آزاد و دهکده‌ی جهانی در رفاه جهانی است. این بحث این گونه مطرح می‌شود که در اقتصادی که آزاد است و به شکل کاملاً رقابتی است، مصرف‌کننده‌ای که آن ویژگی‌های انسان‌شناختی قبل را

آمازون تعیین می‌کند که چه کالاهایی قابلیت فروش در بستر آمازون را دارند و کدام محصولات این فرصت را ندارند، ضمن آنکه آمازون با هر ذینفعی که به موفقیت برسد، رقابت را شروع می‌کند.

اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف در موارد مبنایی و اصلی با یکدیگر متعارض اند و در واقع رابطه بین این دو تباین است. هدف غایی اقتصاد متعارف لذت بردن و مصرف انبوه است حال آنکه هدف نهایی در اقتصاد اسلامی عبودیت است.

بفروشند و یا نیروی کارشان را به قیمت ارزان بفروشند. در نتیجه کشور های کوچک تر و ضعیف برای بقا مجبور به قبول سلطه و خرید کالاهای تولیدی با هرقیمتی و فروش مواد اولیه با قیمت تعیین شده از سوی کشور های قدرتمند هستند.

پس شاید دهکده ی جهانی و رفاه جهانی نیز مغالطه ای بیش نباشد.

حال که با نظام اقتصاد متعارف و مغالطات آن آشنا شدیم باید از خود پرسیم که در نظام اقتصاد اسلامی چه اهدافی دنبال می شود؟

هدف غایی نظام دین اسلام بر خلاف دیدگاه لائیک که نهایش لذت مادی و حداکثر کردن مصرف است، عبودیت است. (و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون). واضح و مسلم است که اقتصاد یک امر مادی و دنیوی است، اما جزو اموری است که به طور مستقیم به برنامه ی عبودیت انسان ارتباط پیدا می کند. یعنی اقتصاد با عبادت و عبودیت در ارتباط است و در اسلام فعالیت برای عمران و آبادانی دستور داده شده است. (هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها...) در واقع اسلام اقتصاد را به نحوی تعریف می کند که بتواند برنامه های عبودیت انسان را تقویت کرده و به پیش ببرد. اسلام به دنبال اقتصاد نافع است. اقتصادی که در مدت کوتاه زندگی دنیوی باعث رفاه و سعادت شود و از آن مهمتر، در زندگی ابدی هم باعث سعادت و رفاه گردد.

در خصوص مکتب اقتصاد اسلامی یکی از اصول، اصل جهاد اقتصادی است. این اصل بیان می کند که همه فعالیت های اقتصادی در مکتب اقتصادی اسلام نیمه انتفاعی هستند و مصرف کننده صرفاً به دنبال منافع، مطلوبیت و رفاه خودش نیست. (مقایسه کنید با اقتصاد متعارف)

اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف در موارد مبنایی و اصلی با یکدیگر متعارض اند و در واقع رابطه بین این دو تباین است. هدف غایی اقتصاد متعارف لذت بردن و مصرف انبوه است حال آنکه هدف نهایی در اقتصاد اسلامی عبودیت است. در بعد ارزش ها، در اقتصاد اسلامی ارزش ها توسط خداوند و در قالب وحی بیان می شوند. بخشی از این وحی همان وحی متعارف (قرآن) و بخشی از آن هم رسول باطنی یعنی همان عقل است. شاید بتوان مهمترین تفاوت میان اقتصاد اسلامی و اقتصاد متعارف را گنجاندن وحی در مبنای اقتصاد اسلامی دانست. گویا که در اقتصاد متعارف دیدگاه جاری و ساری، دیدگاه اومانستی است. یک مصداق مهم در این مقوله بحث تقوا و توکل است. (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ)

به یقین می توان گفت اصلاً این نوع دیدگاه در اقتصاد متعارف جایگاهی ندارد. اما نسبت نظام اقتصاد اسلامی و نظام اقتصاد متعارف چیست؟ نکته اول آن است که در وهله اول قرار نیست همه سخت افزارها و نرم افزارهای اقتصاد متعارف توسط اقتصاد اسلامی رد شود. بررسی و مطالعه می شوند و نتیجه این بررسی اصلاح بخشی از این نهادها و یا حذف بعضی از این نهادهاست. به عنوان مثال بیمه اقتصاد متعارف با اندکی اصلاحات پذیرفته شده است. قطعاً بخش هایی از نظام اقتصادی اسلامی، می تواند اقتباس و یا برداشت از ابزارهایی باشد که در نظام اقتصاد متعارف وجود دارد. اما به غیر از این مورد، طراحی و ابداع نیز یکی از بخش های مهم برای طراحی نظام اقتصادی اسلام است. در کنار این موارد، دو تجربه تاریخی مهم یکی دوره صدر اسلام و حکومت پیامبر و

آن دوره کوتاه حضرت امیر و دومین، دوره تمدن اسلامی بین قرن دوم تا ۷ هجری نیز از منابع مفید برای طراحی قواعد نظام اقتصادی اسلام است.

با توجه به مطالب بیان شده حال اقتصاد مقاومتی را اینگونه تعریف میکنیم: اقتصاد مقاومتی نسخه معاصر نظام اقتصادی اسلام است. نظام اقتصادی اسلام در واقع خروجی مکتب اقتصادی اسلام برای زمانی است که در یک شرایط واقعی و در یک شرایط زمانی و مکانی خاص می خواهد رخ دهد. شرایط فعلی کشور، یک شرایط زمانی و مکانی خاص است. خصوصیت های اقتصادی ضرورت اقتصاد مقاومتی را برای ما آشکار می کند.

ایران پیش از انقلاب، به عنوان یک مستعمره واقعی بازار فروش، مواد اولیه و تا حدی نیروی کار را برای استعمار تامین می کرد. لکن این رویه پس از انقلاب تغییر کرد و این موارد تا حد قابل تأملی عوض شده است. اما شاید این دلیل به تنهایی برای این خصوصیت های شدید کافی نیست. از سوی دیگر اسلام در خصوص ارزش علم (رشد تکنولوژی)، ارزش کار (ارتقای نیروی کار) و ارزش بهره وری (کاهش خام فروشی) دستورات بسیار مهمی دارد و این سه مسئله در واقع به معنای نفی سلطه غرب است. در واقع اگر کشور های اسلامی دستورالعمل اقتصادی اسلام را اجرا کنند اقتصاد غرب هم منابع تولیدش و هم بازارش را از دست می دهد و این تمدن ساقط می شود.



پسر کو ندارد نشان از پدر

اگر جامعه ای ادعای اسلامیت کند اما از قرآن و عترت در مناسبات اقتصادی خود بی بهره بماند به ناچار باید غرامت تحقیر و تنزل را بپردازد.

”

نگاه کلی ایدئولوژی اسلامی بر خلاف بسیاری از ایدئولوژی های دنیای اکنون به اقتصاد، بیشتر از آنکه نگاهی هدف گونه باشد نگاهی ابزار گونه است. در واقع اسلام قصد دارد تا بشر با ابزاری به نام اقتصاد به هدفی به اسم سعادت برسد.

“

ی تحت شرایط تحریم تنگ می کنند و این دقیقاً حربه ایست که شیطان با کار بستن آن سبب اغوای آدم و خروج او از بهشت شد. در این باره قرآن کریم می فرماید:

و زمانی را به یادآور که گفتیم ای آدم این دشمن تو و همسر توست مبادا شما را از بهشت بیرون کند که به زحمت و رنج حواهی افتاد... تو در بهشت راحت هستی نه در آن گرسنه و برهنه می شوی و نه در آن تشنه می شوی و آفتاب می سوزاندت (بیان نیازهای اصلی) ولی شیطان او را وسوسه کرد و گفت ای آدم می خواهی تو را به درخت عمر جاودان و ملک فنا ناپذیر راهنمایی کنم؟

(ایجاد احساس نیاز کاذب به جای نیاز اصلی) و در این شرایط است که تحریم های اقتصادی به راحتی می تواند در به زانو در آوردن یک جامعه، صاحب تاثیر باشد و گرنه جنگ اقتصادی به روش تحریم جزو روش هایی است که از قدیم الایام به عنوان شیوه های شکست خورده تلقی می شود و فقط کافیسست مردم از این آیات قرآن پند بگیرند و اشتباه پدر خود آدم را تکرار نکنند.

و... گوشه ای از عوامل مخل اقتصاد هستند که هر یک به تنهایی برای دور کردن جامعه از مسیر سعادت کافیسست. تحریم ها اما بیش از آنکه یک عامل مخل اقتصادی باشند یک عامل رشد دهنده و کمک کننده به چرخ اقتصاد هستند اگر و فقط اگر توسط جامعه به درستی شناخته شود. جالب است بدانیم تحریم ها به لحاظ کلی به دو نوع بخش می شوند یکی خودتحریمی و دوم دگر تحریمی که از قضا جامعه ی فعلی ایرا بیش از آنکه گرفتار دگر تحریمی و تحریم های بیرونی باشد با خود تحریمی و تحریم های از درون دست و پنجه نرم می کند. واما راهکار عملیاتی مقابله با تمامی این موارد اقتصاد مقاومتی است. نکته ی دیگر آنکه تمامی تحریم ها از هر نوع که باشند به تنهایی مخل نیستند و برای اثرگذاری نیازمند ابزارهای دیگری مثل شایعه پراکنی، شیوع روحیه ی ناامیدی و ترویج تجمل گرایی هستند که اینها به منزله ی اهرم های فشاری هستند که سعی در تغییر ذائقه ی جامعه ی مصرف کننده از نیازهای اصلی به نیازهای کاذب دارند و در شرایط تحریم عرصه را بر جامعه

محتاج هر که شوی، اسیر او خواهی بود. بی نیاز از هر که گردی، با او برابر خواهی شد و هر که را مورد نیکی و احسان خود قرار دهی، فرمانروای او خواهی شد. شاید با نگاه اول به این جملات به یاد توصیه های روان شناسانه ی رایج بیفتید اما باید گفت این ها جزو دستورات اقتصادی اسلام است که از جانب امیر بیان حضرت علی (ع) وارد شده و بیشتر از آنکه یک اصل اسلامی باشد به یک اصل عقلی شبیه است زیرا واضح است که اگر ملتی کمک خواست و ملتی دیگر کمک داد، خواه ناخواه اولی برده و دومی آقااست.

نگاه کلی ایدئولوژی اسلامی بر خلاف بسیاری از ایدئولوژی های دنیای اکنون به اقتصاد، بیشتر از آنکه نگاهی هدف گونه باشد نگاهی ابزار گونه است. در واقع اسلام قصد دارد تا بشر با ابزاری به نام اقتصاد به هدفی به اسم سعادت برسد و در همین راستا هر عاملی که قصد اخلال دسترسی به این ابزار را داشته باشد راهکارهای مقابله با آن را پیشنهاد می کند. عوامل مخل اقتصاد از جمله ربا، احتکار، گران فروشی، کم فروشی



نه قبلش، نه بعدش!!

با نگاه واقع بین نسبت به شرایط اقتصاد در دوره ی قبل از انقلاب و بعد از انقلاب، می توان با دید باز، نسبت به بهبود شرایط اقتصاد پیش رو تلاش کرد و دور از تهاجم های رسانه ای دشمن، امید به آینده را در دل نگه داشت.



”

حتماً شما نیز بارها تجربه کرده اید که افراد در اماکن عمومی و یا محافل خانوادگی ، اوضاع اقتصادی سال های پیش از انقلاب را با وضع فعلی مقایسه میکنند، هم چنین در برخی رسانه های خارجی و داخلی تبلیغاتی صورت میگرد که عموماً ذهنیتی «گل و بلبل» از سال های پیشین انقلاب برای مردم و به طور خاص قشر جوانی که آن سال ها را ندیده است ایجاد میکند. اما حقیقت ماجرا چیست؟

“

حتماً شما نیز بارها تجربه کرده اید که افراد در اماکن عمومی و یا محافل خانوادگی، اوضاع اقتصادی سال های پیش از انقلاب را با وضع فعلی مقایسه میکنند، هم چنین در برخی رسانه های خارجی و داخلی تبلیغاتی صورت میگرد که عموماً ذهنیتی «گل و بلبل» از سال های پیشین انقلاب برای مردم و به طور خاص قشر جوانی که آن سال ها را ندیده است ایجاد میکند؛ اما حقیقت ماجرا چیست؟

بیا باید با هم نگاهی تحلیلی-علمی همراه با مقایسه ای کیفی و کمی از اقتصاد ایران در این دو دوره تاریخی داشته باشیم. حکومت پهلوی: وابستگی اقتصادی به خارج کشور

اقتصاد ایران در دهه های ۴۰ و ۵۰ شمسی به طور قابل توجهی بوی نفت میدهد، درآمد نفتی از ۲۸۵ میلیون دلار در سال ۱۳۸۸ به ۲۰ میلیارد و ۷۳۵ میلیون دلار در سال ۱۳۵۵ رسید (حدود ۷۰ برابر) و به معنای آن است که اقتصاد تک محصولی و به شدت به نفت وابسته شده بود، این در حالی بود که عمده منابع ارزی حاصل از آن صرف واردات از کشورهای غربی میشد و جامعه ایرانی را نیازمند کالای خارجی ساخته بود، به طوریکه واردات ۶.۱ میلیارد دلاری سال ۱۳۵۳ به ۲۵.۲ میلیارد دلار در سال پیش از انقلاب رسید. در همین شرایط سهم کل تولیدات صنعتی ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی

غیر نفتی بود و عمده ارزش افزوده ایجاد شده صنعتی مربوط به صنایع مونتاژ بود به طوریکه در قطع وابستگی اقتصادی کشور تأثیری نداشت.

در بخش کشاورزی اوضاع اسفناک تر از صنعت بود، طبق آمار دولت وقت در سال ۱۳۵۶ تولید کل داخل کشاورزی تنها کفاف ۳۳ روز زندگی مردم ایران را می داد و مابقی باید از طریق واردات تامین می شد.

حکومت پهلوی: وضعیت رفاه عمومی
آمارهای منتشر شده از بانک جهانی در سال ۱۳۵۶، نرخ فقر نزدیک به ۴۶ را برای ایران نشان می دهد. از دلایل این فقر می توان به از بین رفتن صنایع و کسب و کارهای سنتی و محلی در اثر ایجاد صنایع مونتاژ، مهاجرت روستاییان به شهرها، نابودی کشاورزی، توزیع درآمد ناعادلانه و تشدید فاصله طبقاتی حکومت پهلوی اشاره کرد.

در واقع با آنکه در دهه ۵۰ رقم رشد اقتصادی بین ۵ درصد تا ۱۷ درصد ناشی از افزایش میزان فروش و قیمت نفت حاصل شده است؛ اما این به معنی رفاه یکسان برای همگان نبوده است، ثروت های بادآورده نفتی به طور کلی در چند بخش خاص هزینه شد و به رفاه عمومی کمک شایانی نکرد. بخشی در اثر فساد مالی و اداری بین اشراف و دربار توزیع شد، از طرفی هزینه های سرسام آور نظامی

که عمدتاً شامل خرید اسلحه و دریافت کمک های مستشاری میشد دلارهای نفتی را به جیب آمریکا ریخت.

هم چنین بد نیست بدانیم جشن های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ میلیون دلار هزینه داشت!

حکومت پهلوی: امکانات عمومی
بهداشت و درمان: دسترسی به امکانات درمانی در روستا که هیچ، در شهرها نیز با مشکل مواجه بود به طوریکه به ازای هر ۴۰۰۰ ایرانی یک پزشک وجود داشت، بسیاری از این پزشکان هندی و پاکستانی بودند! نرخ مرگ و میر کودکان ۱۱ درصد بود که رقم نسبتاً بالایی محسوب میشد. در بخش تولیدات دارویی ۲۶ درصد نیاز کشور در داخل تامین میشد. نظام تامین اجتماعی بسیار کند و ضعیف بود به طوریکه در سال ۵۶ تعداد مسمتری بگیران، ۸۹ هزار نفر از جمعیت کشور بوده است.

منابع طبیعی و انرژی: در عین وجود منابع عظیم گازی تنها ۵۱ هزار خانوار از جمعیت ایران به گاز دسترسی داشت، فقط ۱۴ درصد از روستاهای کشور به برق دسترسی داشتند، تعداد کل مشترکین برق در سال ۱۳۵۷، ۳.۴ میلیون نفر بوده است. در سال ۱۳۵۵ حدود ۷۸.۴۷ درصد از مناطق روستایی و ۱۲ درصد از مناطق شهری کشور فاقد آب لوله کشی بوده اند. از مجموع مطالب ذکر شده میتوان نتیجه



”

با این حال در زمینه رشد اقتصادی هم چنان چالش های بسیاری موجود است که امید است با همدلی و مدیریت صحیح ایرانی پیشرفته و آباد داشته باشیم.

“

شاخص توسعه انسانی (سن امید به زندگی، نرخ باسوادی، شاخص درآمد سرانه) از ۴۷.۳ درصد در سال ۱۳۵۹ به ۷۰.۵ درصد در سال ۱۳۹۱ رسیده است، رشد بیش از ۸۰ درصدی این شاخص خود گواه توسعه اقتصادی و بهبود وضعیت رفاه عمومی در سال های پس از انقلاب است جمهوری اسلامی: پیشرفت اقتصادی به طور متوسط در طی ۴۰ سال، نرخ رشد ۵ درصد به ثبت رسیده که حاکی از افزایش ۶ برابری درآمد سرانه با وجود ۲ برابر شدن جمعیت ایران است، البته این نرخ مربوط به بلند مدت است و در برخی سال ها به خصوص سال های دهه نود شمسی نرخ رشد منفی به ثبت رسیده که خود جای تامل دارد، یکی از چالش های مهم اقتصاد جمهوری اسلامی رشد نامتوازن نقدینگی در قبال رشد واقعی اقتصاد است به طوریکه این رقم در سال ۹۸ به ۲ هزار میلیارد رسیده است، عدم هدایت این نقدینگی به سمت تولید باعث رشد فعالیت های نامولد در اقتصاد و سفته بازی شده که بعضا شوک های شدید مانند جهش نرخ ارز در دو سال گذشته را به همراه داشته است، هم چنین در توسعه اقتصاد دانش بنیان ایران به پیشرفت قابل توجهی دست یافته به طوریکه در سال ۲۰۱۱ رتبه اول رشد تولید علم را در جهان کسب کرده و در سالیان اخیر جزو بیست کشور اول دنیا در علم و فناوری بوده است. بهره وری نیروی کار شاخص دیگری است که نسبت به قبل از انقلاب بهبود یافته و طی دو دهه اخیر پیشرفت ۱۰۰ درصدی داشته است. با این حال در زمینه رشد اقتصادی هم چنان چالش های بسیاری موجود است که امید است با همدلی و مدیریت صحیح ایرانی پیشرفته و آبادانی داشته باشیم.

اما مهم ترین دستاورد استقلال اقتصادی پس از انقلاب را میتوان کم تر شدن وابستگی کشور به نفت خام دانست، به طوریکه در طی ۴۰ سال به علت وجود تحریم ها، هنوز موفق به رسیدن سقف تولید روزانه نفت پیش از انقلاب (۶ میلیون بشکه) نشده است. در سال ۱۳۵۴، ۸۴ درصد از سهم بودجه را نفت تشکیل میداد، این رقم در سال های پس از انقلاب عموماً روند کاهشی داشته به طوریکه در سال ۱۳۹۱ به ۳۸ درصد رسید جمهوری اسلامی: وضعیت رفاه عمومی یکی از مهم ترین اهداف انقلاب اسلامی، عدالت اجتماعی بوده است، شواهد نشان می دهد توزیع درآمد در جمهوری اسلامی متعادل تر شده به طوریکه ضریب جینی از ۴۶ درصد در سال ۱۳۵۸ به ۳۶ درصد در سال ۱۳۹۱ رسیده است و این نشان دهنده این است که نظام بازتوزیع درآمدی به نفع عموم جامعه بوده است، هم چنین نسبت ثروت ۱۰ درصد ثروتمند جامعه به ۱۰ درصد فقیر از عدد ۲۷ در سال ۱۳۵۸ به رقم ۱۴ در سال ۱۳۸۸ رسیده است به این معنا که در طی سی سال فاصله طبقاتی ۱۰ برابر کاهش یافته است. نرخ تورم که نشان دهنده قدرت خرید مردم است در سال های پس از انقلاب بسیار نوسان داشته به طوریکه در سال ۷۴، حدود ۵۰ درصد و در برخی سال ها مانند ۹۵ تا ۹ درصد پایین آمده است، بنابراین در برخی سال ها قدرت خرید مردم کاهش یافته است. در سال هایی که تورم افزایش یافته مانند دهه هفتاد و سال های اخیر خود موجب افزایش ضریب جینی و شکاف طبقاتی نیز گشته است. رقم بیکاری نیز در طی این سال ها معمولاً بین ۹ تا ۱۱ نوسان داشته و با توجه به رشد جمعیت بهبود داشته است. با این حال هم چنان نرخ بیکاری به خصوص نرخ بیکاری فارغ التحصیلان مطلوب نیست.

گرفت اقتصاد ایران در دوره پیش از انقلاب عقب افتاده بود در واقع بهتر است بگوییم عقب نگاه داشته شده بود، چرا که قدرت های استکباری برای حفظ سلطه و حاکمیت خود بر این کشور ثروتمند به عقب ماندگی آن احتیاج داشتند. جمهوری اسلامی: استقلال اقتصادی فاصله بسیار زیاد میزان واردات و صادرات غیر نفتی در سال های انقلاب رو به بهبودی نهاده، هرچند هم چنان با وضع مطلوب فاصله دارد. نسبت واردات به صادرات غیر نفتی از ۱۱۰۹ به ۵۸ در سال ۲۰۲ رسیده است. یکی از اولویت های جدی جمهوری اسلامی خودکفایی در زمینه تولید کالاهای اساسی بوده است، در سال ۱۳۷۷ ایران رتبه اول واردات گندم جهان را به میزان ۶.۷ میلیون تن داشت، این رقم در سال ۱۳۸۳ به صفر نزدیک شد و جشن خودکفایی گندم در کشور برگزار شد، پس از آن اگرچه در برخی سال ها مقدار واردات افزایش یافت اما روند خودکفایی ادامه دار بوده است. بنزین یکی دیگر از کالاهای مهم اساسی است، که پس از اجرای طرح سهمیه بندی واردات آن به شدت کاهش یافت و با افتتاح پالایشگاه ستاره خلیج فارس در سال های اخیر، ۹۰ درصد نیاز به بنزین در داخل کشور تولید می شود. در برخی کالاهای اساسی مانند برنج و دانه های روغنی هم چنان وابستگی وجود دارد که علت آن عدم بهره برداری مناسب از منابع و نرخ پایین بهره وری منابع آبی است. در زمینه کالاهای غیرضروری و لوکس با آنکه قوانین بازدارنده و گمرکی پس از انقلاب وضع شده است؛ اما هم چنان به دلیل وجود فرهنگ مصرف گرایی و تجمل گرایی جامعه، ارقام بالایی صرف واردات شده است.



شیر نفت را ببندید!!

بررسی تخصصی کاهش سهم نفت در بودجه ی کشور



”

شناسایی ظرفیت های مالیاتی و مقایسه آن با مالیاتی که وصول می شود می تواند دولت را در برنامه ریزی برای بودجه یاری کند و کشور را از وابستگی به فروش نفت در شرایط فعلی رهایی دهد.

“

بودجه کل کشور ایران، برنامه مالی دولت است که برای یک سال توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی تدوین می شود.

بودجه کل کشور از دو محل بودجه نفتی و مالیاتی تامین می شود؛ در سال ۱۳۹۷، درآمد نفتی به میزان ۵۰ الی ۵۵ درصد بودجه کشور را محقق می کرد. در سال اخیر به علت تحریم های خارجی علیه صنعت نفت و صادرات آن وابستگی بودجه به درآمد نفتی کاهش یافته است و به حدود ۳۵ درصد می رسد.

به همین دلیل ایران با کسری بودجه مواجه شده است که برای رهایی از آن باید سیاست های جایگزینی اعمال کند. در این شماره به دو مورد از سیاست هایی که ایران در راستای رهایی از این مشکل باید اتخاذ کند می پردازیم:

۱. اصلاح نظام مالیاتی: با توجه به نیاز های مالی پروژه های عمرانی و صنعتی کشور و لزوم تامین مالی این طرح ها از منابع داخلی و خارجی مطابق با موازین شرع، ضرورت پرداختن به بحث مالیات مشخص می شود.

امروزه یکی از مهم ترین منابع تامین مالی هزینه های حاکمیتی دولت،

مالیات است به ویژه در کشورهای مانند ایران که دولت بر درآمد های فروش منابع طبیعی متکی است.

شناسایی ظرفیت های مالیاتی و مقایسه آن با مالیاتی که وصول می شود می تواند دولت را در برنامه ریزی برای بودجه یاری کند و کشور را از وابستگی به فروش نفت در شرایط فعلی رهایی دهد.

در واقع دولت میتواند بدون اینکه نرخ های مالیاتی فعلی افزایش یابد و به مودیان فعلی فشار وارد شود، با تعریف پایه های مالیاتی مغفول مانده و همچنین بستن راه های فرار مالیاتی سهم مالیات در بودجه سال ۱۳۹۸ که حدود ۳۷ درصد است را به میزان بالایی افزایش دهد و سهم نفت را در سند مالی کشور به حداقل برساند.

در وضعیت کنونی کشور، با تمرکز بر وصول پایه های مالیاتی چون مجموع بر مجموع درآمد، مالیات بر مجموع دارایی و مالیات بر مبادلات سوداگرانه می توان سهم مالیات در بودجه عمومی کشور را افزایش داد؛ این نوع مالیات مزایای دیگری نیز دارد از جمله ی آن سرمایه ای نشدن کالاهایی چون مسکن، طلا و خودرو و ... است؛ چرا که در وضعیت تورمی حاکم بر کشور،

بسیاری از سوداگران اقدام به خرید مسکن، خودرو و طلا می کنند و از سود ناشی از افزایش قیمت آن بهره مند می شوند.

اگر دولتمردان قادر بر دریافت مالیات بر مجموع دارایی باشند سبب می شود که مسکن، خودرو و طلا از رده دارایی های سرمایه ای خارج شوند و قیمت آن برای سایر افرادی که نیاز واقعی دارند کاهش یابد.

لازم به ذکر که دولت و ملت زمانی می توانند در امور دریافت و پرداخت مالیات موفق عمل کنند و به وضعیت مطلوب مورد نظر برسند که شفافیت بر جامعه حاکم باشد و مدیرانی متخصص و متدین عهده دار این مسئولیت عظیم باشند.

۲. افزایش ظرفیت تولید داخلی که به دو مورد سرمایه گذاری و مزیت رقابتی استان ها بستگی دارد .

الف) سرمایه گذاری: سرمایه گذاری شامل دو جزء داخلی و خارجی می شود و به معنای مخارجی است که در یک اقتصاد در دو قالب خرید و توسعه ساختمان و تأسیسات یا ماشین آلات و تجهیزات توسط بخش عمومی یا



”

یکی از اهداف اقتصاد مقاومتی این است که با توجه به توان داخلی و با شناخت صحیح مزیت های تولیدی مان و مزیت رقابتی استان ها ظرفیت تولید داخلی را افزایش دهیم و قادر به صادرات این کالا ها باشیم تا سهم توسعه صادرات غیر نفتی مان را افزایش دهیم.

“

تمرکز خود را بر این مسائل قرار دهند و با توکل بر خدا در ورطه ی فساد و رانت غرق نشوند. و باید دولت و ملت این را بدانند که مشکلات اقتصادی راه حل دارد!

منابع :
کتاب :مالیه بین الملل از دکتر محمد واعظ
داده های مرکز آمار ایران
فصلنامه های سیاست های مالی و اقتصادی شماره ۱۴

یکی از اهداف اقتصاد مقاومتی این است که با توجه به توان داخلی و با شناخت صحیح مزیت های تولیدی مان ظرفیت تولید داخلی را افزایش دهیم و قادر به صادرات این کالا ها باشیم تا سهم توسعه صادرات غیر نفتی مان را افزایش دهیم.

شناخت مزیت رقابتی استان ها بستگی به خصوصیات جغرافیایی، منابع طبیعی و موقعیت سیاسی-اقتصادی دارد.

به چند مورد آن می پردازیم:

طبق تحقیقات صورت گرفته استان های اصفهان، ایلام، بوشهر، تهران، فارس، قزوین در بخش صنعت دارای سهم رقابتی می باشد.

یا مثلا استان بوشهر در بخش ساختمان دارای مزیت بالقوه است و یا استان های گیلان، لرستان، کرمان، کرمانشاه، اصفهان در بخش کشاورزی دارای مزیت می باشند.

با شناسایی این مزیت ها و سرمایه گذاری بر روی آن ها می توان حجم تولید داخلی را افزایش داد و سهم توسعه صادرات غیر نفتی در کشور را بیشتر از پیش کرد.

در واقع اگر به گونه ای دیگر به این موضوع نگاه کنیم متوجه خواهیم شد که همین دو مورد سرمایه گذاری و مزیت رقابتی سبب تاثیر بر تولید می شود که باعث افزایش درآمد (GDP) می شود که در واقع باعث می شود سهم مالیات هم متعاقبا افزایش یابد و وابستگی بودجه کشور به نفت مجددا کاهش یابد و سهم مالیاتی افزایش یابد.

خصوصی انجام می پذیرد.

در طی سال های اخیر نرخ سرمایه گذاری در GDP (تولید ناخالص داخلی) ایران رشد منفی داشته است و طبق داده های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۷ میزان سرمایه گذاری در کشور با کاهش ۵.۶ درصدی همراه بوده است و میانگین رشد سرمایه گذاری طی شش سال اخیر منتهی به ۱۳۹۷ معادل منفی ۳.۸ درصد برآورد شده است.

کاهش نرخ سرمایه گذاری در اقتصاد ایران متاثر از عوامل متعدد ساختاری، سیاست های داخلی و عوامل برونزا است؛ مهم ترین عامل اثر گذار بر کاهش سرمایه گذاری، تورم مزمن و بی ثبات اقتصاد کلان است که موجب بی ثباتی بازار ها، کاهش کارایی برنامه ریزی اقتصادی، افزایش انگیزه سفته بازی و کاهش انگیزه سرمایه گذاری مولد بلند مدت شده است.

از طرف دیگر بزرگ بودن بخش دولتی در ایران و سهم ناچیز بنگاه های خصوصی و تشدید تحریم های خارجی در دوره اخیر و ریسک تعامل با بازارهای جهانی در بلند مدت را نیز باید به فهرست عوامل محدود کننده سرمایه گذاری در ایران افزود.

در این برهه وظیفه دولت این است که با مهیا کردن محیط با ثبات و پایدار مالی، نرخ سرمایه گذاری مولد در کشور را افزایش دهد همچنین با صعب کردن مسیر های خروج سرمایه و یا سرمایه گذاری های غیر مولد مانع سرمایه گذاری هایی شود که در افزایش تولید داخلی تاثیر ندارد.

ب) شناسایی مزیت رقابتی استان ها: پس اکنون سیاست گذاران کشور باید



دیپلماسی عزت

عزت اقتصادی زمینه ساز مقاومت اقتصادی



۹۹

اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد بسته نیست بلکه از ظرفیت‌هایی که در خارج مرزها وجود دارد اعم از تکنولوژی و سرمایه استفاده می‌کند اما رابطه اقتصادی با کشورهای خارجی اقتضائاتی دارد؛ یکی از اقتضائات مهم آن اصل «عزت اقتصادی» بوده که از قاعده قرآنی «نفی سبیل» استنباط می‌شود.

۶۶

امروزه مسائل اقتصادی به عنوان اهم مشکلات بسیاری از کشورهای جهان شناخته شده و هر کدام به نوعی با این آسیب دست و پنجه نرم می‌کنند.

مقاومت جمهوری اسلامی در برابر استعمارگران آمریکایی و انگلیسی پس از پیروزی انقلاب، هزینه اعمال تحریم‌های ظالمانه از سوی این کشورها را در پی داشته است؛ لیک به اعتقاد کارشناسان، اتخاذ تدابیر مناسب اقتصادی از سوی دولت‌ها، گزینه‌ای مناسب جهت پیروزی بر این جبر جهانی است.

گورباچف رهبر اتحاد جماهیر شوروی در دوران تحریم کشورش راه برون رفت از شرایط نامطلوب اقتصادی و افزایش رفاه مردم را مذاکره با آمریکا تشخیص داد، البته دیری نپایید که گذر زمان نتیجه اعتماد به غرب را به او نشان داد. امروز اما سال‌ها پس از شکست سیاست‌های اقتصادی گورباچف، همچنان دولتمردانی قائل به پیمودن راه بی‌فرجام او بوده و در قالب طرح‌هایی چون افای‌تی‌اف و اینستکس، برای حل مشکلات اقتصادی بر طبل رابطه با غرب می‌کوبند؛

امام خمینی (ره) در رابطه با چشم دوختن به غرب برای حل مشکلات اقتصادی این‌چنین هشدار می‌دهند: «اگر بخواهید گره‌های کور اقتصادی خود را با پناه بردن به کانون سرمایه‌داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه خویش را دوا نکرده اید، که دیگران باید بیایند واشتباهات شما را جبران کنند.»

مطالعه تجربیات موفق اقتصادی دیگر کشورهای جهان نشان می‌دهد کلید حل مشکلات اقتصادی، جز مذاکره با آمریکا است. ژاپن، پس از بمباران اتمی توسط آمریکا و خسارات هنگفت ناشی از جنگ جهانی دوم، علی‌رغم کمبود منابع مناسب، با جمعیتی بالاتر از ایران توانست به یک ابرقدرت اقتصادی تبدیل شود و این تجربه موفق تأییدی بر عدم وجود بن‌بست در اقتصاد ایران است؛ اما عنصری در سیاست‌گذاری و فرهنگ جمعی ژاپنی‌ها در بازسازی این کشور با وجود محدودیت‌های موجود، نقش کلیدی را ایفا نمود؛ «اقتصاد مقاومتی».

«اقتصاد مقاومتی یک اندیشه‌ی تجربه‌شده در دنیا است» و ژاپنی‌ها کارآمدی این رویکرد اقتصادی را در

عمل به اثبات رساندند. جمهوری اسلامی علی‌رغم داشتن ظرفیت‌های جغرافیایی، منابع زیرزمینی، تجارت، رفت‌وآمدهای بین‌المللی و مرکزیت، به لطف اجرای سیاست‌های اقتصادی نتولیرالی در چند دهه اخیر توسط مسئولانی که دل در گرو غرب داشته و معتقد به «اقتصاد مقاومتی» نیستند بلکه با روند خصوصی سازی یک‌به‌یک کارخانه‌های بزرگ را هم به تعطیلی کشانده اند، بر خلاف ژاپن گام بلندی در زمینه اقتصادی برنداشته و این در حالی است که ژاپن در شرایطی جایگاه خود را به‌عنوان یکی از قدرت‌های اقتصادی جهان تثبیت کرده است که به لحاظ طبیعی منابع بسیار محدودی دارد، به لحاظ سیاسی نیز شکست در جنگ دوم جهانی وضعیت اسف‌باری را برای این کشور رقم زده است. این مسائل به‌علاوه‌ی ضرورت بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ که منجر به ویرانی ۲۵ درصد از دارایی‌های غیرنظامی و نابودی ۴۱.۵ درصد از ثروت ملی این کشور بود و نیز مسئولیت پرداخت غرامت به متفقین به عنوان بازنده جنگ جهانی که



برعهده ژاپنی ها قرار گرفته بود مانع پیشرفت آنها نشد؛ مردم و دولت ژاپن با رویکردی منطقی، ژاپن را به یکی از قدرت‌های اقتصادی و تولیدی جهان تبدیل کردند.

در دوران طلایی پیشرفت ژاپن، دو سیاست «توسعه‌ی صادرات» و «جایگزینی واردات» که در بیان رهبر انقلاب به «اقتصاد درون‌زا و برون‌گرا» اطلاق می‌شود نقش مهمی در تقویت تولید این کشور ایفا نمود.

اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد بسته نیست بلکه از ظرفیت‌هایی که در خارج مرزها وجود دارد اعم از تکنولوژی و سرمایه استفاده می‌کند اما رابطه اقتصادی با کشورهای خارجی اقتضائاتی دارد؛ یکی از اقتضائات مهم آن اصل «عزت

کشور متفاوت خواهد بود، مثلا در مورد کشورهای دسته دوم باید دقت شود که هیچ گونه وابستگی به آنها ایجاد نشود تا در شرایط تحریمی که رقم می‌زنند به کشور آسیبی نرسد.

از دیگر اصول «عزت اقتصادی» میتوان به «استفاده حداکثری از ظرفیت دیپلماتیک کشور برای تقویت اقتصاد ملی» به جای صرف توان و ظرفیت برای وابستگی و وادادگی اشاره کرد.

بدیهی است که مسئولانی در جمهوری اسلامی از قاعده عزت اقتصادی پیروی نکرده و اساسا اعتقادی به آن ندارند و حتی برخلاف این اصل راه حل مشکلات کشور را همکاری با دشمنان ابدی می‌دانند. ملت ایران خود مخیر به انتخاب بین اجرای اصول اقتصاد اسلامی یا اصول اقتصادی لیبرال

بوده و با انتخاب مسئولین جمهوری اسلامی نشان خواهند داد که قائل به کدام مکتب است. «باید بنایمان را بر این بگذاریم که احتیاجمان را از غیر خدا سلب کنیم که محتاج دشمنان نباشیم و این به این است که همه همت کنند و این قشر های فاسدی که نمی گذارند کار انجام بگیرد از بین خودشان طرد کنند» (امام خمینی رحمه الله علیه)

منابع:

قرآن کریم

صحیفه امام

کتاب توسعه نیروی کار و برآیند سیاست‌های توسعه منابع انسانی در ژاپن

کتاب اقتصاد مقاومتی سیاست‌ها و برنامه عمل در دیپلماسی اقتصادی و روابط خارجی

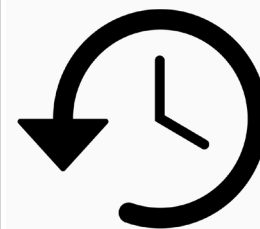
پایگاه اطلاع رسانی رهبر انقلاب اسلامی

پایگاه اطلاع رسانی فرهنگ توسعه

”

درباره روچیلدها باید گفت
به مقام سیاسی چندان
علاقه‌ای ندارند چون
سیاستمداران برایشان کار
می‌کنند!

“



پینوشه زنده است...

برسی تاریخی تحلیلی بر سیاست های آمریکا در برابر کشور های ضد استعمار و تجربه های تاریخی متفاوت ملت ها

”

او رییس جمهور یک
انقلاب اسلامی بود اما در
راستای منافع دشمنان
انقلاب کار می کرد و
سیاست ها و برنامه های
دیگته شده دشمنان نظام
را پیاده می کرد

“

احتمالا تاکنون بارها شعار (بنی صدر پینوشه ایران شیلی نمیشه) را شنیده اید تا حالا فکر کرده اید که پینوشه کیست؟ در شیلی چه اتفاقی افتاده؟ چه شباهتی بین دوران ریاست جمهوری بنی صدر و سالوادور آلنده از حزب مارکسیست با کسب ۳۶ درصد از آراء رئیس جمهور کشور شیلی شد. در یکساله نخست ریاست جمهوری، سیاست های اقتصادی مترقی او به افزایش ۲۲ درصدی دستمزد ها منجر شد و کار روی ساخت ۱۲۰ هزار واحد مسکونی جدید و ملی کردن معادن مس و دیگر بخش های صنعتی این کشور آغاز شد؛ اما از سال دوم ریاست جمهوری آلنده، دولت او وارد جنگ اقتصادی با آمریکا شد و زیر فشار تحریم های بی رحمانه آمریکا این رشد اقتصادی کند شد، تورم بسیار افزایش یافت و در حالیکه نرخ واردات مواد غذایی ۱۲۶ درصد بود صادرات کاهش و واردات افزایش یافت این مسائل منجر شد که تورم هزار درصد، قفسه ها از اجناس خالی و بازار سیاه رونق گیرد. آمریکا در کنار جنگ اقتصادی، جنگ روانی ای نیز علیه آلنده آغاز کرده بود و با تزریق افراد نفوذی خود در میان مردم، با فحاشی علیه دولت مردمی شیلی سعی در القای دروغین ناکارآمدی دولت سالوادور آلنده می کرد. مردم نیز که از مشکلات اقتصادی به ستوه آمده بودند،

فریب شایعات را خورده و سیاست های ضد آمریکایی و ناکارآمدی دولت را عامل مشکلات خود می دانستند. سرانجام سازمان اطلاعاتی سیا در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ در کودتایی دولت آلنده را در حالی که تنها در حدود سه سال از شروع دولتش می گذشت، سرنگون کرد و ژنرال آگوستو پینوشه که از عوامل اصلی کودتا و سازمان سیا در این کشور بود را به مدت ۱۷ سال در منصب قدرت نشاند. پینوشه رئیس جمهور جدید و مورد اعتماد آمریکا سیاست های اقتصادی جدیدی را شروع کرد. او توسط (مکتب) بچه های شیکاگو که تحت نظارت میلتن فریدمن بود دستخوش تغییرات ساختاری بنیادینی شد، تحریم های آمریکا برداشته شد و پینوشه دارایی های دولتی شیلی را به شرکت های آمریکایی و سرمایه گذاران ثروتمند فروخت و برنامه ای نئولیبرالی به اجرا گذاشت. در این زمان نرخ بیکاری که در سال ۱۹۷۳ به میزان ۳/۴ درصد بود به ۳۳ درصد افزایش یافت و این در حالی بود که نرخ دستمزد واقعی تنزل یافت، خصوصی سازی که موجب حذف پرداخت های دولتی و اتخاذ سیاست های ضد اتحادیه ای شده بود تأثیراتی منفی بر طبقه کارگر شیلی داشت، اما بر عکس، این امر به نفع قشر ثروتمندتر این کشور تمام شد. در حدود پنج سال بعد در ایران، در پنجم

بهمن ۱۳۵۸ اولین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران برگزار شد و ابوالحسن بنی صدر با کسب ۱۰ میلیون رای به عنوان اولین رئیس جمهور ایران انتخاب شد. او اولین و جدی ترین نفوذ جریانی در بدنه انقلاب بود. او رئیس جمهور یک انقلاب اسلامی بود؛ اما در راستای منافع دشمنان انقلاب کار میکرد و سیاست ها و برنامه های دیگته شده ی دشمنان نظام را پیاده میکرد که در اسناد لانه جاسوسی نیز به این موضوع تصریح شده: «او مردی است که می خواهد هدایت (رهبری) کند؛ ولی در واقع فقط حرف می زند. او خشک و طفره رو است و نفوذ مهمی در رژیم جدید دارد. به نظرمی رسد که وی مجموعه ای از اضداد است.» بنی صدر رابط بین سازمان سیا و ایران محسوب می شد و از این طریق اطلاعات اقتصادی و نظامی را به آمریکا منتقل می کرد. این جریان فقط منحصر به سال ۱۹۷۳ میلادی در شیلی و ۱۳۵۸ شمسی در ایران نیست بلکه این داستان همچنان ادامه داشته و خواهد داشت...

منابع:

اسناد لانه جاسوسی

خبرگزاری فارس

خبرگزاری تسنیم



سوختن یا ساختن؟!



بعد از جنگ جهانی دوم، چرخ اقتصاد ژاپن خوابیده است و آمریکا اجازه واردات نفت را نمی دهد، در این شرایط تسوزو کونیاکا و شرکتش هر کاری برای تجارت مستقل نفت به ژاپن می کنند.

بعضی صحنه ها) در کل عملکرد قابل قبولی ندارند و اکت اغراق شده ای دارند. استفاده درست از فلش بک ها و فلش فوروارد ها به خوبی به شخصیت پردازی کاراکتر اصلی کمک کرده اند. شاید زیباترین بخش فیلم پایان آن باشد، موسیقی متن محصور کننده بیننده را به وجد می آورد و پایان آن گرچه تراژیک اما آدمی را به تحسین شخصیت اصلی و سرسختی او وا می دارد. فی الواقع فرامتن و بن مایه اصلی داستان نیز همین است؛ تسلیم نشدن

اما نگاه ویژه ی باور به این فیلم به خاطر نمایش مفهومی اساسی در اقتصاد و سیاست امروز ایران است: «اقتصادمقاومتی». اقتصاد مقاومتی شاید تنها مفهومی باشد که ما در ایران حرفش را می زنیم اما عمده کشورهای پیشرفته امروزی مثل ژاپن، انگلیس، آمریکا و حتی کشور های در حال توسعه مثل ترکیه در حال عمل به آن می باشند. فیلم به خوبی راه یک کشور در ملی کردن اقتصادش را نشان می دهد، راهی بس پر پیچ و خم که گذشتن از آن راحت نیست. فیلم به زیبایی نشان می دهد مشکلاتی که ما امروزه با آن مواجه هستیم را غرب و شرق نیز داشته اند(و بر آن غلبه کرده اند) پس ما هم می توانیم.

مخالف است، از سوی دیگر برای هدف مجبوری به هر کاری دست بزن. رهبری و مدیریت خوب را می توان از جمله نکات آموزشی و پیام های اخلاقی داستان برآورد که نمود کامل آن در صحنه هایی مثل زندگی کردن کاراکتر اصلی در یک مکان با کارمندانش یا کارکردن مثل یک کارگر که مشخص است؛ بیراه نگفته اند که یک فرمانده خوب در خط مقدم جنگ است. علاوه بر پیرنگ اصلی داستان، خرده پیرنگ روابط عاشقانه کاراکتر اصلی نیز قابل توجه است. به طور ناخوشایندی هدف کارگردان و فیلمنامه نویس از این بخش داستان مشخص نیست گویا فقط قصد زیاد کردن پیاز داغ ماجرا را داشته اند، یا شاید هم قصد وفاداری صرف به تاریخ؛ که در حالت دوم بهتر بوده مستندی از کاراکتر اصلی ساخته می شد همان طور که سینمای امروز می پسندد.

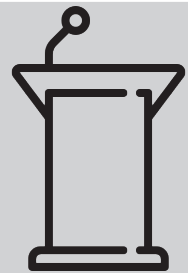
یکی از نقاط قوت فیلم زیبایی بصری آن است، فیلمبرداری فیلم در بالاترین سطح کار شده و بیننده هنگام تماشای فیلم هر لحظه این شانس را به خود می دهد که با یک شات زیبا مواجه شود. همچنین نقش آفرینی شخصیت اصلی هم قابل توجه است هر چند که تیم بازیگری(مثلا کارمندان شرکت در

در نگاه اول تنها چیزی که از فیلم Fueled: The man they called pirate جلب توجه می کند حالت شعارزدگی و قهرمانانه فیلم است، گویی با فیلمی از دنیای سینمایی مارول مواجهید فقط آبرون من آن یک ژاپنی پیر اتوکشیده است که به جای اسلحه در کار نفت است. فیلم گرچه فیلمی شعار زده است اما ارزش یکبار نگاه کردن را دارد. شعارزدگی فیلم نیز احتمالا صرفا برای بیننده ایرانی ملموس است که تفاوت های فرهنگی ملت ژاپن و ملت ایران را در نظر نمی گیرد؛ و گرنه برای ژاپنی ها که از حل هیچ مسئله ای برای کشورشان فروگذار نکرده اند و تا آخرین راه حل برای کشورشان، که جانشان باشد، پیش می روند، داستان و عملکرد کاراکتر ها معقول و قابل پیشبینی است. فی الواقع در ژاپن همه ابرقهرمان و فداکار برای کشورشان اند حال آنکه در ایران «گلیم خود را از آب کشیدن» هنجار شده است.

پرداختن به مسائل والای انسانی و مسائل کلان مدیریتی از جمله ویژگی های مثبت این فیلم محسوب می شود. امید داشتن در جامعه ای که به تازگی یک جنگ مهم را با تلفات بالا باخته است کار راحتی نیست آن هم وقتی اطرافیان کارشان کوک کردن ساز

امید داشتن در جامعه ای که به تازگی یک جنگ مهم را با تلفات بالا باخته است کار راحتی نیست آن هم وقتی اطرافیان کارشان کوک کردن ساز مخالف است، مجبوری به هر کاری دست بزنی.

66



استخوان در گلو!!

بررسی بازخورد ویژه برنامه پرسش و پاسخ با رئیس و معاونین دانشگاه علوم پزشکی از دیدگاه فعالین صنفی

۹۹

همانطور که میدانیم یکی از وظایف اصلی جریان دانشجویی اصیل و انقلابی در کشور، مطالبه گری و تلاش در جهت احقاق حقوق حقه مردم و دانشجویان در سطح دانشگاه و حتی کشور میباشد. به هر اندازه دانشگاه در برطرف کردن نیازهای ابتدایی و اساسی دانشجویان عملکرد بهتری از خود نشان دهد، دانشجویان از نظر روانی، آرامش بهتری خواهد داشت.

۶۶

بسم الله؛

سلام! در شماره قبل نشریه باور، پیرامون عملکرد معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و مشکلات عدیده ای که در این حوزه دانشجویان با آن دست و پنجه نرم میکنند مطالبی را عرض کردیم، در این شماره، با توجه به ویژه برنامه جامعه اسلامی دانشجویان در ۱۶ آذر، یعنی برنامه پرسش و پاسخ دانشجویان با رئیس و معاونین دانشگاه، اهمیت مطالبه گری از سوی دانشجویان و نقد جلسه مذکور را به عنوان موضوع اصلی صفحه صنفی باور برگزیدیم و به همین مناسبت با آقایان «امین جان نثاری دبیر محترم جامعه اسلامی دانشجویان»، «مجید رحیمی دلگانی مسئول برنامه و از فعالین فرهنگی» و «سید محمد مهدی موسوی مجری برنامه و از فعالین صنفی دانشگاه» مصاحبه کوتاهی داشتیم که در ادامه به آن میپردازیم.

همانطور که میدانیم یکی از وظایف اصلی جریان دانشجویی اصیل و انقلابی در کشور، مطالبه گری و تلاش در جهت احقاق حقوق حقه مردم و دانشجویان در سطح دانشگاه و حتی کشور میباشد. به هر اندازه دانشگاه در برطرف کردن نیازهای ابتدایی و اساسی دانشجویان عملکرد بهتری از خود نشان دهد، دانشجویان از نظر روانی، آرامش بهتری خواهد داشت و این مسئله تاثیر خود را در سایر عملکردهای دانشجویان در حوزه های فردی و اجتماعی

زندگی از جمله مسائل علمی و فرهنگی نشان خواهد داد. برای مثال دو جامعه را در نظر بگیرید که هر دو در خصوص مسائل علمی و فرهنگ و ... بیشترین اهتمام را دارند، اما یکی از آنها به نیازهای اولیه ی مردم و آرامش روانی آنها توجه دارد و دیگری بی توجه است، پر واضح است که حکومت بی توجه به این مسائل، از مقبولیت کمتری برخوردار است و مردم نیز به دلیل عدم آرامش روانی، کمتر به مسائل مهم دیگر و پیشرفت های علمی و صنعتی توجه خواهند کرد.

در دانشگاه نیز تا وقتی نیازهای ابتدایی و اساسی دانشجویان از جمله مسائل صنفی و رفاهی تا حد قابل قبولی برطرف نشود، انتظار رشد و پیشرفت علمی و توجه ویژه به مسائل علمی، پژوهشی و آموزشی، انتظاری بیجا خواهد بود. این موضوع از مهم ترین مواردی است که هر ساله مورد تاکید عموم دانشجویان و فعالین فرهنگی و صنفی بوده و تشکل جامعه اسلامی دانشجویان نیز بنا بر رسالت خود در جهت پیشرفت ایرانی-اسلامی به آن پرداخته است. امسال نیز به مناسبت روز دانشجو، در ۱۶ آذر ۹۸ برنامه ای تحت عنوان به وقت مطالبه و با هدف پرسش و پاسخ دانشجویان از رئیس و معاونین محترم دانشگاه برگزار شد. از آقای جان نثاری پیرامون اهمیت و فایده ی چنین مراسمی پرسیدیم:

باور: سلام، باتوجه به برنامه به وقت مطالبه، به نظر شما اهمیت چنین جلساتی

چیست و آیا فایده ای هم دارد؟
امین جان نثاری: «اولین هدف این جلسه این بود که چنین جلساتی از یک جلسه در سال (که آنهم توسط نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه برگزار میگردد) بیشتر کنیم و بعد از آن فضا را به گونه ای ترتیب بدهیم تا با جلسات بیشتر مسئولین دانشگاه فضای همراهی بیشتری با دانشجویان داشته باشند؛ تا حداقل مسئولین، دانشجویان را بشناسند و بالعکس؛ ولی در فضای مطالبه اختصاصی تر جا دارد هر کدام از مسئولین و زیر مجموعه های آنها بنشینند پای حرف دانشجویان و نقد های کلیدی تر، نخبگانی تر و جدای از فضای جو دانشجویی، برگزار گردد تا دانشجویان مسائل مهم را بازگو کنند و از طرف دیگر نیز مسئولین چنین نقد هایی را بشنوند و گزارش دهی کنند که چه اقداماتی صورت گرفته است.

اولین فایده این جلسات این است که عموماً میان دانشجویان و مسئولین فاصله ای وجود دارد که مانع از ایجاد حس در کنار هم بودن و صمیمت می شود، این جلسات باعث می شود که دانشجو نقد واقع بینانه داشته باشد و مسئول، نقد وارد شده را بپذیرد و در راستای حل آن تلاش کند. متأسفانه فضای فعلی نقد و مطالبه گری به نحوی است که در یک طرف دانشجو قرار گرفته، دانشجویی که با عصبانیت نقد میکند و مسئول نیز در طرف دیگر با گاردی ایستاده تا همه نقد ها را یاد کند یا گردن



بعدی از این دست، منسجم تر برخورد کنند و خواسته های خود را بیان کنند و هم مسئولین جدی تر پای کار بیایند.

در مورد اجرای خودم هم از قبل از برنامه و با برنامه ریزی هایی که شده بود علاقه داشتم اجرای برنامه حالت خشک و خسته کننده به خود نگیرد و علاوه بر سوالات دانشجویان که از پیش فرستاده شده بود و اسامی نام نویسی شده برای تربیون، انعطاف بیشتری به خرج بدهم تا فضای گفت و گوی اصطلاحاً پینگ پنگی بین سوال کننده و مسئول پاسخگو برقرار شود که امیدوارم موفق عمل کرده باشم. در کل فضای جلسه بنظرم خوب و مثبت بود، البته لازم میدانم این نکته را بگویم که با فشار و سهم خواهی اعضای شورای صنفی در جلسه که مایل بودند مطالب خودشان حتما مطرح شود (که البته بنظر من لزومی نداشت چون شورای صنفی دسترسی خوبی به مسئولین دارند و میتوانند سوالات خود را از ایشان بپرسند) متأسفانه حق تعدادی از دانشجویان ضایع شد و حقیر از آن عزیزان بابت کوتاهی خودم عذرخواهم و طلب حلالیت میکنم.

ی پیگیری های بعدی از سوی فعالین تشکل ها و شوراهای مربوطه باشد و تکیه ی صرف به چنین جلساتی و نگاه یکجانبه به این جلسه اشتباه است. پیرامون بازخورد های جلسه به نظرم، این برنامه یک جهش قدرتمند در حوزه نقد، پرسش و مطالبه از مسئولین بود. دانشجویان خوب میدانند که رئیس محترم دانشگاه، عملکردی پشت درهای بسته دارد و کمتر موقعیتی پیش می آید که دانشجویان بتوانند ایشان را ببیند یا با ایشان صحبت کنند. در این جلسه اما، ایشان و عملکردشان مورد نقد و پرسش قرار گرفتند و صدای دانشجویان مستقیماً و بدون هیچگونه سانسوری به ایشان رسید. همچنین در سایر حوزه ها نیز شاید فعالیتی که چندین ماه توسط کانال های تلگرامی مختلف و حتی شوراها و انجمن ها انجام میشد، در چند ساعت، مختصر و مفید انجام شد و این خود به تنهایی برای ارزیابی مثبت این جلسه کافی است؛ اما تفهیم این مسئله که دانشجویان ولی نعمتان مسئولینند و عملکرد مسئولین باید در جهت کسب رضایت دانشجویان باشد از دیگر فواید این جلسه بود.

سید محمد مهدی موسوی، از فعالین صنفی و مجری برنامه نیز در این خصوص گفتند: «۱۶ آذر امسال به عقیده من نوعی اتفاق تازه در فضای دانشجویی دانشگاه بود که در آن مسئولان دانشگاه (آنهم مسئولانی که پیش از آن نشان داده بودند برای دانشجویان ارزشی قائل نیستند) در روز ۱۶ آذر پای درد و دل دانشجویان نشستند و حتی به کوچک ترین خواسته ها هم گوش دادند (پاسخگویی و قانع کردن دانشجویان مسئله دیگری است)؛ این اتفاق را، این پرسشگری را، این مطالبه گری از مسئولین را هرچند که به نتیجه مثبتی منجر نشد اما باید به فال نیک بگیریم، زیرا موجب شد که رویه ی خوبی شکل بگیرد و ان شاء الله هم دانشجویان در مراسمات

دیگران بیاندازد و نهایتاً هیچ اتفاقی در بلند مدت نمی افتد.»

انتقاد از عدم تخصیص خوابگاه به دانشجویان مقطع دکتری، انتقاد از انتصاب «دکتر نعمت بخش» به سمت ریاست دانشکده پزشکی، عدم حضور رئیس دانشگاه در میان دانشجویان و خوابگاه، فعالیت موازی شورای مشاورین جوان معاونت آموزشی، عدم تشکیل واقعی دانشکده پیراپزشکی و نبود هیچ گونه امکانات و همکاری برای دانشجویان این رشته ها، نمایشی بودن برنامه های پژوهشی و درآمد زان بودن و انحصاری بودن فعالیت های پژوهشی، انتقاد از حمایت همه جانبه از ورزش قهرمانی و عدم ترویج ورزش های همگانی و نیز انتقاد از تفاوت حمایت از نخبگان ورزشی و قرآنی، انتقاد از عملکرد مدیر امور آموزشی و تاخیر در پرداخت حقوق کارورها و نیز تاخیر در پرداخت وام های دانشجویی از مسائل مورد توجه دانشجویان در این جلسه بود.

اما در طرف دیگر مسئولانی بودند که صحبت های تلخ و شیرین دانشجویان را شنیدند و باید پاسخگوی دانشجویان باشند؛ از آقای مجید رحیمی، از فعالین فرهنگی دانشگاه و ادمین کانال صدای دانشجو نیز پیرامون واکنش مسئولین نسبت به پرسش های دانشجویان و بازخورد جلسه پرسیدیم، ایشان اظهار داشتند: «همانطور که در جلسه نیز عنوان کردم، شخصاً از وضعیت پاسخگویی مسئولین رضایت کافی نداشتم و این مسئله را عموم دانشجویان حاضر در جلسه نیز با پاسخ خود به سوال اینجانب تایید کردند. عموماً روال چنین جلساتی این است که دانشجویان طلبکارانه به پرسش و مطالبه از مسئولین میپردازند و مسئولین نیز در مقام دفاع از خود قرار گرفته و صرفاً با توجیه کردن و به حاشیه کشاندن بحث، از پذیرفتن مطالبات و پاسخ به آنها طفره میروند. بنظرم چنین جلساتی باید مقدمه

در شماره های بعدی باور ، بصورت تخصصی، به پیگیری مطالبات دانشجویان و پرسش از مسئولین میپردازیم. شما هم میتوانید سوالات و انتقادات خود را برای ما ارسال کنید. همچنین میتوانید در پیگیری ها همراه ما باشید و شما هم نویسنده باور باشید...



هیس! اینجا عده ای مشغول کار ضد فرهنگی هستند!

ما معتقد به بستن فضای فرهنگی کشور نیستیم، اما با ولنگاری فرهنگی مخالفیم.

۹۹

دانشجو رخنه‌ی نفوذ در شریان‌های حیاتی جامعه که دانشگاه است را می‌فهمد، متوجه کارزار فرهنگی می‌شود، می‌داند که رزمنده است و باید بداند که اکنون در خط مقدم فرهنگ نیاز به عملیات دارد، نیاز به جهاد دارد و نهادهای مربوط هم، وظیفه پشتیبانی از این عملیات‌ها را دارند.

۶۶

«حرکت هرجامعه براساس فرهنگ آن جامعه است»، صعود یا سقوط هرجامعه وابسته به فرهنگ آن بوده و مسلم است که فرهنگ امروز ما حال و روز خوشی ندارد که این مهم، ضرورت اقدام و عمل موثر دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌ها و نهاد‌های فرهنگی برای درمان این درد را دوچندان می‌کند.

امروز که فرهنگ ما آماج حمله دشمنان قرار گرفته، دردآور آن است که گاهی مسئولین نیز خواسته یا ناخواسته در زمین دشمن بازی کرده و گل به خودی می‌زنند. حال سوال اینجاست وظیفه‌ی دانشگاه در قبال این سیرنزولی فرهنگ چیست؟

دانشگاهیان به عنوان قشر فرهیخته وظیفه دارند دارویی برای این فرهنگ بیمار تجویز کنند؛ اما متأسفانه شاهد آن هستیم که دانشگاه خود را نه تنها مسئول درمان نمی‌داند، بلکه خود نیز به این سیر نزولی و وخیم‌تر شدن هرچه بیشتر اوضاع دامن می‌زند.

آنقدر حواسمان پرت شده و یا آنقدر حواسمان را پرت کرده‌اند که احساس نمی‌کنیم علاوه بر «مصرف‌کننده» باید «تولیدکننده» باشیم.

«دانشجو باید سیب زمینی نباشد»، دانشجو به هر محتوایی به عنوان خوراک فکری نگاه نمی‌کند و می‌داند هر خوراکی

باعث رشد او نمی‌شود! گاهی باید بعضی خوراک‌ها را دور انداخت و گاهی باید یقه‌ی آن کسی که این خوراک را تهیه کرده گرفت! گاهی باید پرسید چرا این خوراک مسموم فکری را جلوی من دانشجو قرار می‌دهید؟

همانطور که رهبر انقلاب می‌فرمایند: «ما معتقد به بستن فضای فرهنگی کشور نیستیم اما با ولنگاری فرهنگی به شدت مخالفیم»

از میان نفوذهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی «نفوذ فکری و فرهنگی از همه‌ی انواع دیگر نفوذ خطرناک‌تر و مهم‌تر است.»

فرهنگ اصل و ریشه است، فرهنگ مسئله‌ی اول کشور است؛ فرهنگ که هدف قرار بگیرد بقیه‌ی ابعاد هم به راحتی فرو می‌ریزند ولی بعضاً دیده شده بستر توسط سازمان‌های مسئول، برای نفوذ فرهنگی فراهم می‌شود.

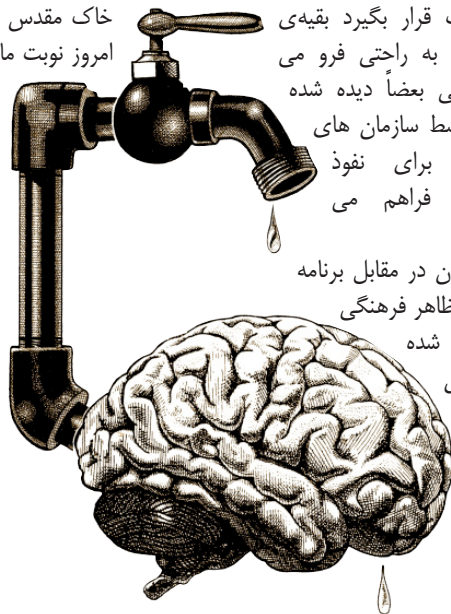
دانشجویان در مقابل برنامه‌های به ظاهر فرهنگی که اجرا شده اعتراض کردند، جبهه

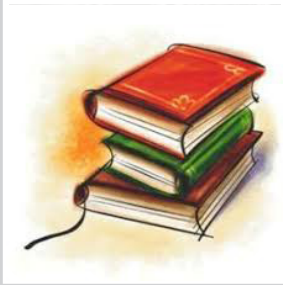
تشکیل دادند و یک صدا فریاد زدند که تیشه به ریشه‌ی فرهنگ زنید و هنوزهم منتظر پاسخ مسئولین مربوطه می‌باشند. دانشجو رخنه‌ی نفوذ در شریان‌های حیاتی جامعه که دانشگاه است را می‌فهمد، متوجه‌ی کارزار فرهنگی می‌شود، می‌داند که رزمنده است و باید بداند که اکنون در خط مقدم فرهنگ نیاز به عملیات دارد، نیاز به جهاد دارد و نهادهای مربوط هم، وظیفه پشتیبانی از این عملیات‌ها را دارند.

«آرایش دشمن، آرایش جنگی است» ضروری است که ما هم آرایش جنگی بگیریم، بارها شنیده‌ایم که چشم شهیدان به ما و رفتارمان است، اگر آن روز تا پای جان جنگیدند تا یک وجب از خاک مقدس کشورمان کم نشود، امروز نوبت ماست که تا پای جان بجنگیم، تا ذره‌ای از ارزش‌هایمان، در این هجوم جنگ رسانه‌ای کم نشود.

منبع:

Khamenei.ir





معرفی کتاب «خاطرات سفیر»

برای یک فرد، توفیق عظیمی است که با کتاب، مأنوس و همواره در حال بهره‌گیری از آن یعنی آموختن چیزهای تازه باشد.



۹۹

من شدم «ایران»! من باید پاسخگوی تمام نقاط قوت و ضعف ایران می‌بودم. انگار من مسئول همه‌ی شرایط و وقایع بودم، چاره‌ای نبود و البته از این ناچاری ناراضی هم نبودم. من ناخواسته واسطه‌ی انتقال بخشی از اطلاعات شده بودم و این فرصتی بود تا آن طور که باید و شاید وظیفه‌ام را انجام دهم. تصمیم گرفته شده بود! من سفیر ایران بودم و حافظ منافع کشورم و مردمش

۶۶

نیلوفر در باره‌ی هر کدام دیدگاه جالبی دارد و سعی می‌کند با بحث‌های شبانه هر کدام از این افراد را به گونه‌ای به چالش بکشد و در نهایت، دیدگاه‌های مختلف را خیلی روشن در برابر مخاطب کتابش به نمایش بگذارد.

در کنار همه این‌ها، ما را با فرهنگ‌ها و باورهای مردم فرانسه آشنا می‌کند. گاهی نقد می‌کند و گاهی تحسین...

خودمانی است. مخاطب به راحتی با آن ارتباط برقرار می‌کند و از آنجایی که به صورت خاطره نوشته شده است، کشش خاصی دارد که اجازه نمی‌دهد تا پایان کتاب، آن را زمین بگذارید. اگر چه نویسنده سعی می‌کند دیدگاه مردم تمدن‌های مختلف با گرایش‌های مختلف دینی را به ایران و اسلام بررسی کند اما زبان طنز نویسنده باعث می‌شود، این کتاب در شاخه‌ی کتاب‌های مذهبی با لحن سنگین طبقه‌بندی نشود.

شخصیت اصلی داستان، نیلوفر، در خوابگاه دانشجویی با انسان‌هایی رو به رو می‌شود که هر کدام از جایی از این کره‌خاکی آمده‌اند. با طرز فکرها، اعتقادات، ملیت‌ها و نگرش‌های مختلف و گاه ضد و نقیض. اگر دقت کنیم می‌توانیم به هر کدام به دید نماینده‌ی یک قشر خاص از جامعه‌ی خودمان نگاه کنیم؛ افرادی که دین را در متن زندگی نیافته‌اند و احساس پوچی می‌کنند؛ افرادی که به دین اعتقادات دارند اما لزومی به اجرای دستورات دینی نمی‌بینند؛ افرادی که غیرمسلمانند اما فطرت درونی، آنها را به سمت اسلام می‌کشاند

من شدم «ایران»! من باید پاسخگوی تمام نقاط قوت و ضعف ایران می‌بودم. انگار من مسئول همه‌ی شرایط و وقایع بودم، چاره‌ای نبود و البته از این ناچاری ناراضی هم نبودم. من ناخواسته واسطه‌ی انتقال بخشی از اطلاعات شده بودم و این فرصتی بود تا آن طور که باید و شاید وظیفه‌ام را انجام دهم. تصمیم گرفته شده بود! من سفیر ایران بودم و حافظ منافع کشورم و مردمش

کتاب خاطرات سفیر، از انتشارات سوره‌ی مهر، از سری کتاب‌های نقره‌ای، نویسنده‌ی خانم نیلوفر شادمهری است که چاپ اول آن در آذرماه ۱۳۹۶ بوده است.

هم‌اکنون این کتاب به چاپ ۵۹ خود نیز رسیده است

خاطرات سفیر، خاطرات نویسنده، (نیلوفر شادمهری) درباره‌ی خاطرات حضورش در خوابگاهی دانشجویی در فرانسه است. از همان ابتدای کتاب با چالش‌هایی رو به رو می‌شویم که یک ایرانی و در واقع یک خانم مسلمان شیعه در خارج از کشور ممکن است با آن مواجه شود.

لحن داستان، لحنی کاملاً دوستانه و



نا، راحت شوید!!!

راحت طلبی در قرآن به شدت نکوهش شده و همه چیز انسان سعی و تلاش خوانده شده است. زمانی انسان به راحتی واقعی خود می رسد که بپذیرد منشأ اصلی تمام مشکلات دنیا است.

”

در این دنیا راحتی کامل و مطلق اصلاً خلق نشده است پس نباید به دنبال چیزی بگردیم که اصلاً وجود ندارد! اگر انسان سعی و تلاش نداشته باشد هیچ چیز ندارد، و این سعی و تلاش است که جایگاه انسان را مشخص می کند.

“

راحت طلبی اولین علاقه ای است که انسان در بدو تولد آن را تجربه می کند و تا آخرین لحظه ی زندگی او را رها نمی کند. اصلاً می گویند نوزاد تازه متولد شده به این علت که نا، راحت می شود (راحتی خود را از دست می دهد) گریه می کند!

بگذارید حرف آخر را همین ابتدا بزنیم: در این دنیا راحتی کامل و مطلق اصلاً خلق نشده است پس نباید به دنبال چیزی بگردیم که اصلاً وجود ندارد!

از امام صادق (ع) پرسیدند: ما چه کار کنیم به راحتی برسیم؟ فرمودند: در مخالفت کردن با هوای نفس؛ با «دل» می خواهد مخالفت کن. سپس پرسیدند: بنده ای که مخالفت با هوای نفس کند، چه زمانی به راحتی می رسد؟ امام صادق (ع) فرمودند: روز اولی که وارد بهشت شود!

نیاز به راحتی در وجود انسان آفریده شده است و این نوع پاسخ دهی به این نیاز است که می تواند انسان را به اوج عزت یا نهایت ذلت برساند. راحت طلبی به معنای تن آسایی و تنبلی حتماً مذموم است. به نظر می رسد زمانی انسان به راحتی واقعی می رسد که قبول کند دنیا دار المصائب است. در واقع راحتی انسان در گرو قبول ناراحتی های این دنیا است و البته که «هر که در این بزم مقرب تر است جام بلا بیشترش می دهند»

آیاتی از قبیل «و لقد خلقنا الانسان فی

کبد»، «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدح فملاقیه» نشان دهنده ی این اصل است که راحتی مطلق در این دنیا خلق نشده است.

تن آسایی و تنبلی علاوه بر آثاری که بر زندگی فرد دارد می تواند آثار اجتماعی مضرى هم در پی داشته باشد. این اصل که تنبلی می تواند باعث جلوگیری از پیشرفت فرد شود شاید بر کسی پوشیده نباشد. «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم/۳۹)، برای انسان به جز آنچه که سعی و تلاش می کند چیزی نیست. بدین معنا که اگر انسان سعی و تلاش نداشته باشد هیچ چیز ندارد، و این سعی و تلاش است که جایگاه انسان را مشخص می کند. اما آثار اجتماعی این فعل تا جایی می تواند پیش رود که منجر به از بین رفتن حکومت اسلامی گردد. حضرت زهرا (سلام الله علیها) در خطبه فدکیه به این مورد اشاره کردند و چنین فرمودند: «آگاه باشید من چنین می بینم که شما رو به راحتی گذارده اید و عافیت طلب شده اید، کسی را که از همه برای زعامت و اداره امور مسلمین شایسته تر بود دور ساختید، و به تن پروری و آسایش در گوشه خلوت تن دادید و از فشار و تنگنای مسئولیت ها به وسعت بی تفاوتی روی آوردید.»

شاید بزرگترین نتیجه ی کنار زدن راحت طلبی را بتوان غلبه بر وابستگی به این دنیا دانست. بزرگان و عارفان برای رسیدن به

راحتی واقعی و البته مقابله با راحت طلبی راهکارهای مفیدی ارائه داده اند. یکی از این موارد که منجر به راحتی و آرامش فرد می شود، اجتناب از مقایسه ی زندگی شخص با دیگران است. در دنیا زندگی خود را با دیگران مقایسه نکنید. شیطان به عنوان اولین مقایسه کننده که خودش را با انسان مقایسه کرد، راحتی واقعی و کاملش را از دست داد. کافی است به چیزهایی قانع شویم که فقط «به اندازه ی کافی» خوب و مناسباند. آن وقت چشم باز می کنیم و لذتی فراتر از تصورمان را تجربه خواهیم کرد.

اوج مبارزه ی با راحت طلبی را در عزم راسخ شهدا می توان جست و جو کرد. مردانی بی ادعا که دنیا در نظرشان آن قدر کوچک است که جان خود را به عنوان عزیزترین سرمایه انسانی فدا می کنند و خیر عقبی را به تن آسایی در این دنیا ترجیح می دهند.

عرفا همیشه بر انس با شهدا و زیارت قبور این بزرگواران تاکید دارند. شاید پس از مرگ، زمانی که لحد بر روی جنازه ی بی جان انسان گذاشته می شود و او را زیر خروار ها خاک قرار می دهند، این تلاش شخص در دنیا بر کسب محاسن و خدمت به خلق باشد که او را نجات می دهد.



با مدیریت، چرخ زندگی را بچرخان

زنان مدیر داخلی خانه هستند؛ و از مهم‌ترین وظایف یک مدیر داخلی، مدیریت اقتصاد آن مجموعه است که با تدبیر او شکل می‌گیرد.



۹۹

از مهم‌ترین وظایف یک مدیر، مدیریت اقتصاد آن مجموعه است که با تدبیر او شکل می‌گیرد. و اینجاست که اگر تدابیر او اصولی و صحیح باشد، خانواده می‌تواند از کمترین درآمد بیشترین استفاده را داشته‌باشد

۶۶

امام علی علیه السلام بخل را از صفات پسندیده زنان عنوان می‌کند نیز به همین معناست. و نه به معنای آن صفت نفسانی که خُلق باشد، بلکه اشاره به همان مدیریت اقتصادی زنان به عنوان مدیر داخلی خانه است. همانطور که امام صادق علیه‌السلام نیز تصریح کرده‌اند که: «یکی از مشخصات بهترین زنان آن است که در مصرف هزینه‌های زندگی و حتی اتفاق در راه خدا اسراف نمی‌کنند»

همانطور که میدانید مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ سادگی، دوری از چشم و هم‌چشمی، تجمل‌گرایی و تشریفات، و حتی توجه به نقش منابع غیر مادی در اقتصاد مانند دعا و شکرگزاری، از جمله اموری است که بخش زیادی از آن می‌تواند به دست زنان انجام شود.

اینگونه است که در می‌یابیم بانوان نقش خطیری در تحقق اقتصاد مقاومتی و همچنین نقش مهم و تأثیرگذاری در ایجاد خانواده‌ای مصرف‌گرا و یا قناعت‌گر و تولیدکننده دارند و لازم است در این شرایط حساس آنها بیش از پیش به این نقش توجه کرده و در این زمینه به نقش آفرینی مثبت بپردازند.

می‌چرخید بدون اینکه پول زیادی وارد خانه شود؛ زنان همیشه با یک نوع تولید و ترمیم رابطه داشتند و مصرف کالاها و غذاهای بیرون خانه آنقدر زیاد نبود که نیاز به پول زیاد باشد. در واقع مادران نقش مهمی در اقتصاد پایه داشتند. اقتصاد بازار یعنی درآمد پولی. ولی اقتصاد پایه یعنی گذران زندگی. اما آنچه امروز در خانواده‌های ما نقش بازی می‌کند، قدرت خرید کالاهای بیرون خانه است و نه برنامه‌های مادران. با مدیریت صحیح زنان است که توازن بین تولید و مصرف فراهم می‌شود و با برنامه‌ریزی و اجرای صحیح، رشد و توسعه‌ی اقتصاد خانواده محقق می‌گردد. آیا تابه حال دقت کرده‌اید که حقیقتاً چه مقدار از خرید روزانه ما اختصاص به نیازهای واقعی مان دارد و نه نیازهای کاذبی که برایمان ایجاد کرده‌اند؟

از شبکه‌های تلویزیونی و رسانه‌ها گرفته تا دستفروش داخل اتوبوس و مترو، روزانه ما را با انواع نیازهای کاذب مواجه می‌کنند. از خانه به قصد خرید بیرون می‌رویم اما به‌هنگام بازگشت معلوم نیست چه مقدار از خریدمان به انتخاب و براساس نیاز واقعی‌مان بوده‌است؟!.. گم شدن در دنیای برندها و کالاهای غیر ضروری آفتی است که نباید بگذاریم بیشتر از این گریبان‌گیرمان شده و اقتصاد خانواده‌مان را به قهقرا ببرد. آنجایی که

حتماً تاکنون برایتان اتفاق افتاده است که در مترو یا اتوبوس نشسته باشید که فروشنده‌ای وارد شده و شروع به تبلیغ محصول خود کند... جالب آن است که اغلب سخن خود را اینگونه آغاز می‌کنند: خواه‌رآن گرامی! محصولی داریم اینچنین و آنچنان...

از خود پرسیده‌اید دلیل اینکه اکثر این افراد دانسته یا ندانسته مخاطب خود را زنان فرض کرده و با آب و تاب رو به سمت آنان از کالایشان تبلیغ می‌کنند و گاهی به کل نیمی از جمعیت طرف دیگر اتوبوس را نادیده می‌گیرند؟! چیست؟

دلیل این مخاطب خاص بودن در بسیاری از موارد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟.. حقیقت آن است که زنان به عنوان مهم‌ترین افراد متقاضی تأمین کالاهای خانگی مطرح هستند و هم راستا با این متقاضی بودن، نقش خطیری است که در خانواده به عهده دارند، نقشی که معمولاً کمتر توجهی به آن میشود... بله درست است... مسئولیت مدیریت مالی منابع خانه.

حتماً دقت کرده‌اید که درآمد بعضی خانواده‌های روستایی زیاد نیست اما با این حال زندگی‌شان خوب می‌چرخد، حتی بهتر از چرخیدن یک زندگی شهری! اما چرا؟!..

در گذشته چون مادر در خانه حضور فعال اقتصادی داشت، زندگی به خوبی

نیم نگاہی بہ

[illegible][illegible][illegible]



جمله اسلامی دانشجویان به مناسبت روز مجلس برگزار شد



پودشی عملکرد مجلس و نمایندگان احضان

به عهد گسار پر آید

به مناسبت روزی نیست

■ شفافیت آرای نمایندگان مجلس

■ برنامه

■ توافقی

■ اتحاد اموال فاضل مشهور

■ آب و زمین ودی



حسین شریعتمداری
رئیس مجلس



محمد کاروبی
رئیس مجلس و روز نمایندگان ملی

دوشنبه ۱۱ آذر ماه، ساعت ۱۴:۰۰

تلا معارف و روی روی مجموعه کتابهای عمومی



خلاعات

براهه‌های بی‌سود، شخمسید عباس
ای که چشمت رو از زیر کلاهت بره
آزادی همه رو می‌کشور و دود آسمان



میرزا محمد علی



میرزا محمد علی

جمعه اسلامی دانشجویان دانشگاه افغان
و دود بر پشتی بر کار مرشد

پرونده ناتمام

تاریخچه افغان‌ها در پاکستان و هند
۱۳۹۰



میرزا محمد علی



میرزا محمد علی

کتاب: افغان‌ها در پاکستان و هند
نویسنده: میرزا محمد علی



میرزا محمد علی



میرزا محمد علی

کتاب: افغان‌ها در پاکستان و هند
نویسنده: میرزا محمد علی



میرزا محمد علی



میرزا محمد علی

کتاب: افغان‌ها در پاکستان و هند
نویسنده: میرزا محمد علی

[illegible]

کارگاه آموزشی
هنر و رسانه



با تدوین استاد حامد میرزایی
زمانه: شنبه ۱۹ مرداد ماه ساعت ۵ صبح
مکان: مهرازم نمایشگاه جامعه اسلامی دانشجوین
جنب مسجد امام خمینی (ره)

[illegible]

کشمیر

STOP KILLINGS

IN KASHMIR

نہیں تھم اٹھیں

با حضور : مہدی سائلی

رنگ کشمیر

16/9 ستمبر 2013ء

میں مدافروں کے ہونے کی وجہ سے کشمیر

[illegible][illegible]